





(منافقین)

محمد رضا دلیر

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۱

سرشناسه: دلیر، محمدرضا، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور: مجاهدین خلق / محمدرضا دلیر.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: [۴]، ۵۰۸ ص.: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۰۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۰۱ - ۵۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سازمان مجاهدین خلق ایران

موضوع: Sazeman Mojahedin Khalq Iran

موضوع: منافقان -- ایران

Munafiqun -- Iran*

حزب‌های سیاسی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴

Political parties -- Iran -- History -- ۲۰th century

رده بندی کنگره: DSR۱۵۴۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۳۷۲۶۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: مجاهدین خلق (منافقین)

مؤلف: محمدرضا دلیر

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

چاپ: مدیران

قیمت: ۳۶۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۰۰۴-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



تقديم به

مجاهد شهيد

مجيد شريف واقفي

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱	۱
۴۰	۱- تاریخچه ای کوتاه از پیدایش مجاهدین تا تبدیل شدن به یک فرقه سیاسی - مذهبی خاستگاهها (۱۳۴۰-۱۳۴۲).....
۴۰	۱-۱- شکل گیری (۱۳۴۲ - ۱۳۴۶).....
۴۱	۲-۱- ایدئولوژی.....
۴۳	۳-۱- انشعاب بزرگ.....
۴۴	۴-۱- رهبری جدید (بهمن ۱۳۵۷).....
۴۴	۵-۱- رئیس جمهور بنی صدر (اردیبهشت ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰).....
۴۵	۶-۱- شورش ۳۰ خرداد.....
۴۶	۷-۱- پاریس (تیرماه ۱۳۶۰ - خرداد ۱۳۶۵).....
۵۰	۸-۱- از جنبشی مردمی، به فرقه ای سیاسی-مذهبی.....
۵۲	۲- فعالیت های خطی و نظامی مجاهدین.....
۵۶	۳- مسعود رجوی رهبر کاریزماتیک مجاهدین.....
۶۰	فصل دوم: انقلاب ایدئولوژیک شروع بروز ماهیت فرقه‌ای در تشکیلات مجاهدین
۷۱	فصل سوم: تشریح ساختار درونی مجاهدین در سرفصل‌های مختلف
۷۲	۱- از شروع فاز نظامی تا سال ۱۳۶۴ - مقطع انقلاب ایدئولوژیک.....
۷۳	۱-۱- نتیجه گیری: (تا قبل از انقلاب ایدئولوژیک).....
۷۴	۲- مرحله اول انقلاب - مریم همردیف مسعود - سال ۱۳۶۴.....
۷۴	۲-۱- نقش مسعود رجوی به عنوان رهبر فرقه مجاهدین.....
۷۹	۳- مرحله دوم انقلاب - عملیات فروغ جاویدان و بحث های تنگه و توحید - سال ۱۳۶۷.....
۸۲	۴- مرحله سوم انقلاب - مریم مسئول اول سازمان - سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ - هفت بند انقلاب ایدئولوژیک.....
۸۲	۴-۱- بند الف: طلاق ایدئولوژیک.....
۸۷	۴-۲- بند ب: محرمیت ایدئولوژیکی.....
۸۹	۴-۳- بند ج: تناقضات و اندیشه های جنسی.....
۸۹	۴-۴- بند دال: «هژمونی خواهان».....
۹۰	۴-۵- بند ف: فردیت.....
۹۲	۴-۶- بند ه: هزار «شین» (یعنی هزار عضو شورای رهبری) یا همردیف.....
۹۴	۴-۷- بند ر: ریاست جمهوری مریم رجوی.....
۹۶	۵- تغییرات ساختاری، معیارهای عضویت بعد از انقلاب ایدئولوژیک در سال ۱۳۶۴.....
۱۰۱	۶- شیوه های عضو گیری در تشکیلات مجاهدین.....
۱۱۰	۱- نمونه تاریخی در ایران.....
۱۲۹	۲- مجاب سازی کادر بندی شده.....
۱۳۱	۳- تکامل شیوه های جذب توسط فرقه ها - تهاجم به حس خویشتن فرد.....
۱۳۳	۴- بازسازی فکری چگونه عمل می کند؟.....
۱۴۰	۴-۱- شش شرط سینگر.....
۱۴۰	۴-۱-۱- فرد را نسبت به اینکه یک برنامه کاری برای کنترل و ایجاد تغییرات در وی وجود دارد در نا آگاهی کامل نگاه میدارند. (شرط اول).....
۱۴۸	۴-۱-۱-۱- قرارگاه اشرف طرف حضور و رشد اعضای فرقه مجاهدین.....
۱۵۰	۴-۱-۱-۲- موقعیت جغرافیایی قرارگاه اشرف.....
۱۵۲	۴-۱-۱-۳- حفاظت فیزیکی و یگان های حفاظتی.....

- ۴-۱-۲- ایجاد حس ناتوانی سیستماتیک و وابستگی به فرقه در فرد (شرط سوم)..... ۱۵۵
- ۴-۱-۳- رفتارها و برخوردهای سابق را سرکوب می کند (شرط چهارم سینگر)..... ۱۵۷
- ۴-۱-۴- رفتارها و برخوردهای جدید ایجاد می نمایند (شرط پنجم سینگر)..... ۱۵۷
- ۴-۱-۴- نمونه اول: بحث های بورژوا - رفرمیست..... ۱۵۹
- ۴-۱-۴- نمونه دوم: نشست های صلیبه قرارگاه اشرف سال ۱۳۶۹..... ۱۶۲
- ۴-۱-۴- نمونه سوم: خارج کردن کودکان اعضای فرقه از عراق..... ۱۶۵
- ۴-۱-۴- نمونه چهارم: نشست های زیر «مینیم»..... ۱۶۶
- ۴-۱-۴- نمونه پنجم: بند ف (فردیت): یکی از بندهای انقلاب ایدئولوژیک..... ۱۶۹
- ۴-۱-۴- نمونه ششم: نشست های "حوض کوثر" در سال ۱۳۷۴ - مؤسسان دوم..... ۱۷۲
- ۴-۱-۴- نمونه هفتم: نشست های «تمام حجت» - پرچم (قرارگاه باقر زاده سال ۱۳۸۰)..... ۱۸۱
- ۴-۱-۴- نمونه هشتم: نشست های صبر و پایداری در سال ۱۳۸۲..... ۱۸۴
- ۴-۱-۴- یک سیستم منطقی بسته و یک ساختار خودکامه را بوجود می آورد..... ۱۸۶
- ۴-۱-۵- استفاده از زبان جدید ، جدا شدن شما از سیستم احساسی و اعتقادی قدیمی را گواهی می دهد..... ۱۸۹
- ۴-۲- هشت تیم روانشناس روبرت جی لیفتون (کتاب سینگر)..... ۱۹۹
- ۴-۲-۱- کنترل محیطی: این مقوله به کنترل کامل ارتباطات در درون گروه دلالت دارد..... ۱۹۹
- ۴-۲-۱-۱- ارتباطات عرضی..... ۲۰۲
- ۴-۲-۱-۲- همه چیز با برنامه روزانه و از پیش تنظیم شده انجام می گیرد..... ۲۰۲
- ۴-۲-۱-۳- عدم دسترسی آزاد به اخبار و اطلاعات..... ۲۰۴
- ۴-۲-۱-۴- ترددات ، زیارت و گردش های بیرون از قرارگاه اشرف..... ۲۰۵
- ۴-۲-۱-۵- نقش پول در مناسبات تشکیلاتی..... ۲۰۹
- ۴-۲-۱-۶- نشست های جمعی روزانه و هفتگی (عملیات جاری و غسل هفتگی)..... ۲۱۰
- ۴-۲-۱-۷- سیستم قضایی در تشکیلات مجاهدین و شیوه انجام تنبیهات..... ۲۱۲
- ۴-۲-۱-۸- محفل و محفل گرایی..... ۲۱۶
- ۴-۲-۲- بار دادن به کلمات (تم دوم لیفتون)..... ۲۱۹
- ۴-۲-۳- طلب خلوص (تم سوم لیفتون):..... ۲۱۹
- ۴-۲-۴- اعتراف (تم چهارم لیفتون)..... ۲۲۲
- ۴-۲-۴-۱- زند اتهام نفوذی به اعضای مخالف - اعمال شکنجه های روحی و روانی و حتی جسمی..... ۲۳۰
- ۴-۲-۴-۲- اعتراف گیری و نوشتن گزارشات..... ۲۳۱
- ۴-۲-۴-۵- عملکرد مرموز (تم پنجم لیفتون)..... ۲۳۲
- ۴-۲-۶- اعمال تعالیم بر فرد (تم ششم لیفتون)..... ۲۳۷
- ۴-۲-۷- علوم مقدس (تم هفتم لیفتون)..... ۲۴۰
- ۴-۲-۸- تبیین وجود (تم هشتم لیفتون)..... ۲۴۲
- ۴-۳- سه مرحله روانشناس ادگار شاین:..... ۲۴۵
- ۴-۳-۱- خارج کردن از انجماد..... ۲۴۵
- ۴-۳-۲- ایجاد تغییرات..... ۲۴۷
- ۴-۳-۳- منجمد کردن مجدد..... ۲۵۳
- ۵- آزمایش های غیر مجاز..... ۲۵۷
- فصل پنجم: فرقه ها چی عیبی دارند؟..... ۲۶۴
- ۱- کار و تلاش در مقابل هیچ..... ۲۶۷
- ۲- منابع مالی و فعالیت های تجاری مجاهدین..... ۲۷۲
- ۳- جایگاه کودکان در تشکیلات مجاهدین..... ۲۷۹
- ۴- جذب متخصصین و سؤاستفاده از تخصص آنها در مسیر اهداف فرقه..... ۲۹۶
- ۵- ارتباط با خانواده..... ۲۹۷

۶ - خشونت، خصوصیت ذاتی فرقه مجاهدین	۲۹۹
۷- فعالیت های جاسوسی مجاهدین	۳۰۲
۸- مجاهدین و نظارت ارگانهای حقوق بشری (دستگیریهای سال ۱۳۷۳ و سرکوب شدید ناراضیان)	۳۰۳
بخش دوم: فرقه ها چگونه عمل می کنند	۳۱۲
فصل اول: جذب اعضای جدید	۳۱۲
۱ - مرحله اول: از ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تا ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ - فاز سیاسی	۳۱۴
۲ - مرحله دوم : از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ تا استقرار کامل تشکیلات مجاهدین در خاک عراق	۳۱۵
۳- مرحله سوم: از تشکیل ارتش آزادی بخش در سال ۱۳۶۶ تا سرنگونی صدام در سال ۱۳۸۱	۳۱۹
۱-۳- استفاده از شیوه فریب و تشکیل تیم های شکار در کشورهای نظیر ترکیه ، پاکستان ، امارات، کویت تحت عنوان	
کاریابی.....	۳۲۲
۲-۳- تبلیغات علنی تحت نام خدمت زیر پرچم، در کشورهای اروپائی در ملاه ایرانیان برای جذب جوانان و اعزام آنها به	
عراق.....	۳۲۷
۳-۳- فعالیت اعضای عضو بگیر سازمان در محیط های دانشگاهی و جامعه متخصصین برای جذب نیرو در کشورهای اروپائی ،	
آمریکا و سایر کشورها	۳۲۹
۴- اجرای طرح های فریب در اردوگاه های اسرای جنگ ایران و عراق و جذب آنها به تشکیلات مجاهدین	۳۳۰
۵- فریب دادن اسرا در زندان های سازمان	۳۳۲
۶- از طریق مرزها و با فرستادن پیک به داخل ایران برای جذب نیرو تحت عنوان «عملیات راهگشایی».....	۳۳۲
۷- نتیجه.....	۳۳۷
فصل دوم: روش های مجاب سازی روانی	۳۴۸
۱- خلسه و هیپنوتیزم	۳۵۰
۱-۱ - القای خلسه طبیعت گرایانه	۳۵۱
۱-۱- تخیل هدایت شده	۳۵۳
۲ - فریبکاری	۳۶۱
۳- بازبینی سوابق شخصی (پروسه خوانی).....	۳۶۵
۴- فنار هم تراز و سرمشق سازی (انطباق رفتارهای فرد با جمع).....	۳۷۰
۵ - سوءاستفاده احساسی	۳۷۴
۵-۱- ایجاد رابطه های عاطفی و بمباران محبت	۳۷۷
۵-۲- تمایل به پذیرش اتوریته و داشتن رهبری	۳۷۹
۵-۳- داشتن تعهد و تعهدی کار کردن	۳۷۹
۵-۴- ایجاد حس وظیفه در اعضا - کار بی نام و نشان	۳۸۰
۵-۵- الگوهای تغییر رفتار و نقشه راه	۳۸۱
۵-۶- القاء احساس گناه و توس	۳۸۲
۵-۷- القاء احساس کمبود	۳۸۴
۵-۸- نتیجه گیری و خلاصه بحث	۳۸۵
فصل سوم: دلایل پرداختن به موضوع فرقه ها	۳۸۷
فصل چهارم: خطر ارباب و تهدید	۳۹۲
۱ - شیوه ارباب اعضای درون تشکیلاتی فرقه	۳۹۳
۲ - ارباب و اذیت منتقدان بیرون از تشکیلات به شیوه های مافیایی	۳۹۵
۳- مجاهدین و هزینه های هنگفت در جلب حمایت های بین المللی	۳۹۷
۴- سوءاستفاده از وجهه مردمی و مذهبی برخی از شخصیت ها به نفع فرقه	۴۰۲
۵- همکاری کادر پزشکی با تمایلات رهبری فرقه در درون تشکیلات	۴۰۳
۶- سوءاستفاده از هنرمندان ایرانی مقیم خارج	۴۰۷
۷- سوءاستفاده از تصویر مردمی فرقه	۴۱۳

۴۱۷	۸- مجبور کردن خویشان و دوستان اعضای فرقه به سکوت
۴۲۱	بخش سوم: چگونه می توانیم به نجات یافتگان کمک کنیم؟
۴۲۱	فصل اول: جدا شدن از فرقه.
۴۲۳	۱- چرا جدا شدن از فرقه سخت است ؟
۴۲۳	۱-۱- حساس گناه نسبت به شکستن عهد و پیمان
۴۲۴	۱-۲- فریب خوردن توسط تشکیلات
۴۲۴	۱-۳- ترس از حسابرسی و مواخذه
۴۲۵	۱-۴- ایجاد وابستگی به تشکیلات فرقه
۴۲۶	۱-۵- وحشت از حضور در بیرون از فرقه
۴۲۷	۱-۶- ترس از فاصله ایجاد شده
۴۲۸	۱-۷- اعتقادات
۴۳۱	۱-۸- فدا و صداقت
۴۳۳	۱-۹- نقش رهبری در تمکین اعضا از فرقه
۴۳۷	۱-۱۰- فشار جمع و فقدان اطلاعات
۴۴۳	۱-۱۱- خستگی و سردرگمی
۴۴۶	۱-۱۲- تحقیر کردن اعضا در حضور جمع
۴۵۲	۲- نتیجه گیری
۴۵۶	بخش چهارم: قدرت، جامعه و زنان، از دیدگاه ایدئولوژی التقاطی رهبران فرقه‌ها
۴۵۶	فصل اول: ایدئولوژی‌های التقاطی و آثار مخرب آن بر جامعه و مردم
۴۶۶	۱- جایگاه زنان در تشکیلات فرقه ای مجاهدین
۴۷۵	۲- سوءاستفاده های جنسی ، فصل مشترک تمامی فرقه ها
۴۷۵	۲-۱- مجاهدین
۴۸۲	۲-۲- فرقه داوودیه
۴۸۴	۲-۳- فرقه جیم جونز
۴۸۵	۲-۴- فرقه اوم شینریکو
۴۸۷	۲-۵-فرقه مورمون ها
۴۸۸	۳- نتیجه گیری
۴۹۲	جمع بندی نهایی
	منابع و مأخذ ۵۰۱



پیشگفتار

یکی از مسائل مهم و عناصر بنیادشکن دین، که همواره نظر دین پژوهان و جامعه شناسان دین را به خود جلب کرده است و آن ها پیوسته در اندیشه یافتن راه حلی برای مقابله با آن بوده اند، بحث فرقه و فرقه گرایی در مذاهب و گرایش ها و تمایلات مخالف نسبت به سازمان های دینی است، مشکلی که از دیرباز وجود داشته و در عصر حاضر نیز به یکی از مقولات مهم و پیچیده جوامع بشری تبدیل شده است، چرا که همین گرایشات و فرقه گرایی، بروز خشونت های قومی و دینی را در اکثر منطقه خاورمیانه و مناطقی که به نوعی با دین و مذهب سر کار دارند؛ اجتناب ناپذیر کرده است. هر سازمان دینی مجموعه ای از عقاید و اندیشه های دینی و رفتارها و شیوه های علمی که بر اساس ابعاد وجودی انسان تنظیم شده و منطبق بر استعدادهای انسانی، راهی به سوی کمال پیشنهاد می کند. ارائه خط مشی مناسب، از کارکردهای مهمی است که یک سازمان دینی باید برای ارائه تحلیل و نهادینه شدن آن در یک جامعه، تلاش مضاعفی از خود نشان دهد. به همین دلیل است که اصلی اساسی برای گروندگان به هر دینی، بنیادگرایی درباره آن دین معرفی شده است. طبق همین فرایند است که به تدریج، نظریه های معکوس در قالب و بیانی مخصوص در مقابل سازمان دینی عام به تدریج رشد کرده و افرادی را بر آن می دارند که اصلاحاتی درونزا ایجاد نمایند و خود را از وابستگی های دامنگیر رها ساخته، مستقل وارد عمل شوند و با ارائه طرحی اصلاحی، با روشی خاص، برای اداره اندیشه دینی جامعه بسیج شوند. بر





همین اساس، در کنار عقاید سازمان دینی عام، انشعایی طراحی شده که در ظاهر جنبه دینی خود را حفظ می کند، ولی در باطن، از یک نوع واگرایی رادیکالی نسبت به سازمان دینی نهادینه شده در جامعه برخوردار است و بر همین پایه سعی و تلاش دارد، مقاصد سیاسی خود را در قدم اول در یک جدال سیاسی و در قدم های بعدی حتی به صورت نظامی و با خشونت پیش ببرد. بنابراین در شکل کلی، شکل گیری غالب فرقه ها نیز بر پایه استنباط گوناگون افراد مختلف از مذهب می باشد. لذا فرقه ها را در میان مذاهب تعریف می کنند. واژه فرقه برای همه مذاهب و حتی گروههای سیاسی قابل تعریف است. گروهی متشکل از انسان هایی که به عمد یا سهو (هر چند در ادامه روح حرکت عمدی به خود گرفته اند)، خود را از جمع وسیع و غاطبه مردم اطرافشان جدا کرده و به آیین خاصی گرویده اند و بدین ترتیب از ناحیه همگان نیز به رسمیت شناخته نمی شوند. این افراد دارای یک پیشوای مشترک بوده که از آن به عنوان رهبر تعبیر می کنند.

سازمان مجاهدین نیز با برداشت های متفاوت از اسلام و با پایه قراردادن ماتریالیسم، ایدئولوژی خود را بنا نهاده و با پدیده های پیرامون خود تنظیم رابطه می کند. سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در شهریور ۱۳۴۴، از سوی محمد حنیف زاده، سعید محسن و عبد الرضا نیکبین (عبدی) تأسیس شد. موسسین سازمان مجاهدین خلق، این سازمان را یک سازمان اسلامی و اعضای خود را به تعبیر قرآن (حزب الله) می نامیدند. این سازمان برخلاف جریان های نهضت آزادی و جبهه ملی که به شیوه ی مبارزه به شکل قانونی و مسالمت در در برابر حکومت پهلوی اعتقاد داشتند، در سال ۱۳۴۸ به لزوم مبارزه به شکل مسلحانه علیه حکومت پهلوی رسید. محرک اصلی سازمان برای این شیوه از مبارزه به شکل مسلحانه، بهره گیری از پیروزی های انقلابیون مارکسیست و مطالعه آثار رهبران انقلابی در کشورهایی همچون چین بود. بنیان گذاران سازمان با انتشار و نوشتن کتاب ها و جزوه های همچون «جزوه ی شناخت» و «اقتصاد به زبان ساده»، سعی داشتند ایدئولوژی سازمان را ایدئولوژی مذهبی در قالب اسلام و تشیع بر طبق اصول علمی نشان بدهند. نام سازمانی گروه مدتی سازمان آزادی بخش و سپس مجاهدین خلق بود و سرانجام ملت ایران با پی



بردن به ماهیت و کارکرد آنها نام «سازمان منافقین» را برای آن ها برگزیدند. پیش از نخستین عملیات نظامی که برای مراسم جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تنظیم شده بود اکثر رهبران و اعضای سازمان در شهرپور سال ۱۳۵۰ دستگیر شدند و در این میان تمام اعضا کمیته مرکزی سازمان، به جز مسعود رجوی اعدام شدند.



مقدمه

سازمان مجاهدین خلق ایران :

سازمان سیاسی اسلام‌گرا و چپ‌گرا با ساختار شبه‌نظامی است. رهبری این سازمان با مسعود رجوی و مریم رجوی است. از سال ۱۳۸۲ زنده بودن مسعود رجوی در پرده ابهام قرار دارد و در غیاب وی همسرش مریم رجوی عملاً رهبری این سازمان را برعهده دارد. از ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ دبیرکل این سازمان زهرا مریخی است.

این سازمان در ۱۵ شهریور سال ۱۳۴۴^۱ به رهبری محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و عبدالرضا نیک‌بین پایه‌گذاری شد؛ اما بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، عبدالرضا نیک‌بین از فهرست رسمی بنیان‌گذاران، حذف شد و علی‌اصغر بدیع‌زادگان که از سال ۱۳۴۵ به سازمان پیوسته بود— جایگزین او شد.

سازمان مجاهدین پس از شکل‌گیری، به اقدام مسلحانه بر ضد دودمان پهلوی پرداخت. در سال ۱۳۵۱ سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک)، موفق به دستگیری رهبران اولیه این سازمان شده و به حکم دادگاه نظامی وقت، به جرم «اقدام علیه امنیت کشور، اعمال تروریستی (ترور اتباع ایرانی و آمریکایی)»، به اعدام، محکوم و برخی نیز زندانی شدند. در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، برخی به رهبری تقی شهرام و بهرام آرام، اقدام به ترور و حذف اعضای مذهبی، از جمله، مجید شریف واقفی در بیرون زندان کردند و با به‌دست گرفتن بخشی از سازمان، بیانیه‌ی اعلام تغییر ایدئولوژی از اسلام به مارکسیسم را منتشر کردند. پس از آن، اعضای سازمان به دو دسته: مارکسیست به رهبری تقی شهرام و بهرام آرام و نیز مسلمان به رهبری مسعود رجوی و موسی خیابانی، تقسیم شدند.

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، بخش مذهبی سازمان مجاهدین خلق به رهبری موسی خیابانی و مسعود رجوی، فعالیت خود را تحت عنوان جنبش ملی مجاهدین، اعلام کردند؛ ولی درباره‌ی اختلاف نظر با روحانیان وقت، از جمله روح‌الله خمینی، به مخالفت بر ضد نظام جمهوری اسلامی روی آورد. پس از تظاهرات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و برکناری ابوالحسن بنی‌صدر،



این سازمان، هدف خود را سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد. اعضای سازمان مجاهدین، دو سال بعد از جنگ ایران و عراق، در سال ۱۳۶۱ به عراق رفتند و با همکاری ارتش عراق، اقدام به تشکیل بازویی نظامی به نام «ارتش آزادی بخش ملی ایران» کرد و در کنار ارتش عراق در جنگ بر ضد ایران، مشارکت کرد. این نیروی نظامی در طول جنگ ایران و عراق، از سوی خاک عراق، بیش از یکصد عملیات نظامی بر ضد مواضع نیروهای ایرانی شکل داد. مهم ترین عملیات نظامی سازمان در سال ۱۳۶۷ تحت عنوان فروغ جاویدان انجام شد و جمهوری اسلامی در واکنش به آن اعدام زندانیان سیاسی (تابستان ۱۳۶۷) همه اعضای زندانی سازمان را که حاضر به برائت از سازمان و ابراز ندامت از اعمال خود نشده بودند را در زندان های ایران اعدام کرد. اگرچه آمار دقیقی از تعداد اعدام شدگان منتشر نشده، ولی گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد تعداد آنها را ۱۸۷۹ نفر و دیگر منابع ۳۰۰۰ تا ۴۴۸۲ نفر تخمین زده اند.

این سازمان به وسیله حکومت پهلوی سابق و جمهوری اسلامی ایران و دولت عراق به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده است. برخی دولت های غربی نیز برای حدود یک دهه این سازمان را در فهرست گروه های تروریستی قرار داده بودند اما بعداً این سازمان را از این فهرست خارج کردند.

در دوران حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی از لقب «مارکسیست اسلامی» برای این سازمان استفاده می شده است. در ادبیات حکومتی ایران از سازمان مجاهدین خلق با عناوینی چون «سازمان منافقین» یاد می شود. بسیاری از اعضای جدا شده و همچنین محققان این سازمان را دارای ماهیت فرقه ای دانسته و از عنوان فرقه رجوی برای اشاره بدان استفاده می گردد.

طبق گزارش سال ۱۳۸۸ مؤسسه بروکینز این سازمان به نظر غیر دموکراتیک است و محبوبیت ندارد اما به عنوان یک پروکسی در داخل ایران علیه حکومت تهران حضور عملیاتی دارد. یگانه ترابی خبرنگار رویترز و جان اتان وایت استاد علوم سیاسی مؤسسه اروپا گفته اند که این گروه هنوز هم میان ایرانیان نامحبوب است.



سازمان مجاهدین خلق ایران مامورین، شبکه‌ها و روابط سازمان «سیا» باید در ایران افشا گردد

سازمان مجاهدین خلق ایران همراه با برگزاری بیست و یکمین روز میزبانیان روز دانشجو و تظاهرات گروه‌های مختلف مردم در تأیید انقلاب اسلامی ایران و تغییر آمریانیم جهانی و آمریکا طی پیشنهاداتی به حضور رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی و مردم ایران خاطرنشان ساختند که انقلاب بزرگ مردم ایران باید تا حصول نتیجه نهایی همچنان شور انقلابی خود را حفظ کند و برای نیل به اهداف از هیچ‌گونه تلاشی و مبارزاتی دریغ نکند. پیشنهادات سازمان مجاهدین خلق در اطلاعیه‌ای به شرح زیر آمده است:

بنام خدا و پناه خلق
قهرمان ایران
هنوز آخرین فریاد های شهیدان در گوشه‌ها شنیده می‌شود. بعد از شاه نوپ آمریکاست سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن ابراز نهایت خرسندی انقلابی از اوج گرفتن مجده شور انقلابی مردمی بر علیه آمریانیم آمریکا طاغوت بزرگ جهان که مبنی غیر اصولی و بدور از شرافت انقلاب ما در مسیر راستین مردمی انقلابی و اسلامی آن است خاطرنشان می‌سازد که شور و شعلۀ مبارزه با آمریانیم خلق ستونک این بار دیگر نباید همچون گذشته توسط برخی مسئولین به مساجد و سبیل‌نگاری و بسیاری بهر جهت کردن برگزار شود و با صرفاً وسیله ارضاء مقام پرستی‌ها و جاه طلبی‌های برخی ریاکاران قرار گرفته و ایمان و اعتقاد لازم را پیدا نکند. از اینرو یار دیگر پیشنهادات انقلابی خود را که خواست های منطقی - عادلانه و مشروع تمامی این مهن خونبار بشمار می‌رود مطرح و اجرای هر چه در دست

۴۰ درصد کاهش اجاره‌خانه

بیتدبیعت و شورای انقلاب کلیه اجاره خانه واحدهای مسکونی، استیجاری از اول آذرماه آینده ۴۰ درصد تقلیل داده میشود. موجرینی که تنها محل درآمدشان وصول مال اجاره از مستقات بوده و جمع میزان دریافتی اجاره‌های آنها ماهانه از ۵۰ هزار ریال تجاوز نکند از تاریخ تصویب این قانون تا ۴۰ هزار ریال از پرداخت مالیات معاف و نسبت به مازاد آن تا ۵۰ هزار ریال مشمول پرداخت مالیات خواهند بود و از ۵۰ هزار ریال به بالا مشمول مالیات نمیشود.

سازمان مجاهدین خلق ایران، خواستار قطع ارتباط با آمریکا و افشای اسامی جاسوسان سیا شد. (۱۴ آبان ۱۳۵۴)

بنیان‌گذاران این سازمان، محمد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع‌زادگان که از فعالان مسلمان جبهه ملی دوم ایران بودند (که پس از تشکیل نهضت آزادی، از فعالان یا هواداران آن سازمان شدند) و یکی از اعضای نهضت آزادی بنام عبدالرضا نیک‌بین



رودسری معروف به «عبدی»، گرد هم آمدند و سازمانی را بنیان نهادند. در نخستین بیانیه سازمان که در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ پخش گردید، آمده است: «... هسته اولیه سازمان که هم‌اکنون برای اولین بار نام آن را فاش می‌کنیم در ۶ سال قبل و با شرکت برخی از کادرهای سابق نهضت آزادی ایران ... به شکل مخفی بنیاد یافت ...».

حنیف‌نژاد در بازجویی‌های خود چنین گفت: «... حاصل آنکه کم‌کم به فکر حل مسئله افتادم. آن‌وقت مدتی بود که با سعید محسن و عبدالرضا نیک بین آشنا شدم با هم قرار گذاشتیم که مطالعاتی داشته باشیم ... قرار بر این گذاشتیم که افرادی را در دور خودمان عضوگیری کنیم و آن‌ها را به مطالعه بکشانیم.»

شکل‌گیری نام و آرم سازمان

نام سازمانی گروه، در دورانی «سازمان آزادی‌بخش ایران» خوانده می‌شد و سپس «سازمان مجاهدین خلق» نام گرفت. البته هیچ‌یک از دو نام «آزادی‌بخش ایران» و «مجاهدین خلق» تا آن‌جا که بررسی‌ها نشان می‌دهد، از سوی بنیان‌گذاران و کادر مرکزی سازمان برگزیده نشده است. لیکن در مورد این که نام و آرم سازمان از سوی چه کسانی پیشنهاد، تصویب و در چه تاریخی روی آن توافق شد، سکوت شده است. تا قبل از شهریور ۱۳۵۰ که بیش از هفتاد تن از بنیان‌گذاران، کادر مرکزی و شماری از اعضای هواداران و سمپات سازمان از سوی رژیم شاه بازداشت شدند، هنوز سازمان دارای نام و آرمی نبوده است. حنیف‌نژاد پس از بازداشت در بازجویی‌های خود صریحاً اعلام کرده است که: «... گروه ما اسم نداشت، می‌گفتیم «سازمان».

سعید محسن نیز در این زمینه در بازجویی‌های خود یادآور شده است: «ما برای سازمان خود اسمی نگذاشته بودیم و چون احتیاجی به معرفی پیدا نکرده بودیم، لذا ضرورت اسم‌گذاری معلوم نشده بود. در کلیهی نوشته‌ها و مابین تمام افراد فقط لغت «سازمان» در اثر تکرار مصطلح شده بود، در مدارک خارجی ما هم به هیچ وجه نامی جز سازمان مطرح نگردیده است.»

علی میهن‌دوست نیز در بازجویی‌های خود اظهار داشته است که: «... سازمان ما نام مشخصی نداشت. «سازمان آزادی‌بخش ایران» نام سازمان ما نیست. ما هنوز دارای استراتژی مشخصی نبودیم.»





شروع فاز مسلحانه با حکومت شاهنشاهی ایران

برخی از بنیان‌گذاران سازمان در بازجویی‌های خود به نقش تظاهرات ۱۵ خرداد در گرایش آنان به مبارزه‌ی مسلحانه اعتراف کرده‌اند. محمد حنیف‌نژاد در بازجویی‌های خود آورده است: «... چندین ماه اول تصمیم داشتم که اگر از زندان خارج شدم برای تحصیل به اروپا یا آمریکا بروم و در ایران نباشم ولی کشتار عام مردم در پانزده خرداد مرا بر این واداشت که درباره‌ی این کشتار بیشتر فکر کنم و در نتیجه از فکر مسافرت به خارج منصرف شدم...».

سعید محسن نیز در بازجویی‌های خود گفت: «... شاید اگر جریان ۱۵ خرداد نبود، من نیز مثل دیگران همه چیز را فراموش می‌کردم. برخورد ۱۵ خرداد و این‌که طبقات پایین در این جریان به سادگی کشته شدند در حالی که در جریان دانشگاه حداکثر به چند ماه زندانی قناعت می‌شد، روحیه‌ی مقاومت را در من زنده کرد. این سؤال بارها در ذهن من تکرار می‌شد که چه شد که در عرض چند روز مردم جلو گلوله رفتند و در حالی که در طول سه سال، مبارزه از اعلامیه پخش کردن تجاوز نکرد. در تحلیل بعدی به این نتیجه رسیدم که طبقات پایین جامعه زیر فشارند و برایشان مرگ و زندگی فاصله‌ی زیادی ندارد ولی طبقات مرفه فاصله مرگ و زندگیشان بسیار زیاد است...»

پس از دستگیری، محاکمه و محکومیت رهبران نهضت مانند مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و محمود طالقانی، تحت تأثیر برخوردهای خشن حکومت شاه با مخالفان و سرکوب قیام ۱۵ خرداد و شکست مبارزات مسالمت آمیز، پاسخ‌ها و رویکردهای سیاسی نهضت آزادی در نگاه این جوانان، پاسخ‌های معقول و راه‌گشا به حساب نمی‌آمد و آنان در جریان تدوین استراتژی به مبارزه قهرآمیز و تفسیری رادیکال از اسلام رسیده و به تدریج با بهره‌گیری از تئوری‌های انقلابیون آمریکای لاتین، شیوه‌ی جنگ چریکی شهری و کار مخفی سازمانی و مسلح شدن را در تاکتیک پذیرفتند.

شکل‌گیری دوباره پس از دستگیری رهبران سازمان

در شهریور سال ۱۳۵۰ و در آستانه‌ی برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، ۱۳ نفر از سران سازمان دستگیر و پس از شکنجه ۱۲ نفر از آنان اعدام شدند. مسعود رجوی از مجازات



اعدام نجات یافت و بعدها رهبری سازمان را در اختیار گرفت. در آذر ماه همان سال رضا رضایی از کادرهای سازمان توانست از زندان فرار کند و تا روز کشته شدنش در ۲۵ خرداد ۱۳۵۲، نقش مهمی در رهبری و سازماندهی مجدد و عملیات نظامی مجاهدین ایفا کرد. بدین ترتیب بقایای سازمان به فعالیت خود ادامه دادند و سازمان با چند عمل مسلحانه در جامعه ایران شناخته شد. در دهه ۱۳۵۰ با مقابله شدید ساواک با نیروهای سیاسی مسلح، سازمان مجاهدین نیز در شرایط دشواری به فعالیت مخفی خود ادامه می‌داد و از حمایت بعضی از روشنفکران مذهبی مسلمان و روحانیون شیعه برخوردار بود.

تغییر ایدئولوژی به مارکسیسم

تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین در سال ۱۳۵۴ کمی بعد از فرار تقی شهرام از زندان ساری صورت گرفت. در آن زمان اکثریت اعضای مرکزیت «سازمان مجاهدین خلق» که خارج از زندان بودند، تحت تأثیر تقی شهرام و بهرام آرام به مارکسیسم گرویدند. آن‌ها در نخستین اعلامیه خود پس از تغییر ایدئولوژی آوردند: «در آغاز گمان می‌کردیم می‌توانیم مارکسیسم و اسلام را ترکیب دهیم و فلسفه جبر تاریخ را بدون ماتریالیسم و دیالکتیک بپذیریم. اینک دریافتیم که چنین پنداری ناممکن است... ما مارکسیسم را انتخاب کردیم زیرا راه درست و واقعی برای رها ساختن طبقه کارگر زیر سلطه است.»

پس از این اعلامیه، مجاهدین مارکسیست با حفظ آرم سازمان و تغییر علائم و نشان‌های گذشته، حذف آیات قرآن و تاریخ پیدایش سازمان و نیز افزودن مشیت گره کرده به نشانه وابستگی به طبقه کارگر، آرم جدیدی را برای خود تهیه کردند. نشریه «جنگل» را به جای «مجاهد» به عنوان ارگان سازمان منتشر کردند و هر سه ماه یکبار نیز نشریه «قیام کارگر» را انتشار دادند.

اما اکثریت اعضای سازمان در داخل زندان که در راس آن‌ها افرادی چون مسعود رجوی، مهدی ابریشمچی و موسی خیابانی قرار داشتند در اصول خود و پایبندی به اسلام باقی ماندند. مسعود رجوی اعلام گرایش سازمان به مارکسیسم را یک حرکت فرصت‌طلبانه اعلام نمود و آن را زمینه‌ساز رشد تمایلات راست ارتجاعی خواند. بخش خارج از کشور نیز به طور جداگانه مخالفت خود را با این حرکت فرصت‌طلبانه با صدور اعلامیه‌ای با امضای «تعدادی از اعضای سازمان» اعلام نمودند.



درگیری‌های خونینی نیز بر اثر اختلافات مجاهدین مارکسیست و مسلمان رخ داد. مجید شریف واقفی، مرتضی لبافی‌نژاد و مرتضی صمدیه لباف به دست مارکسیست‌های حاکم بر سازمان ترور شدند. تراب حق‌شناس از بازماندگان جمع اولیه تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین خلق که در سال ۱۳۵۴ به مارکسیسم گرایید، در توضیح این تغییر ایدئولوژی می‌گوید: «به نظر من خیلی‌ها تغییر ایدئولوژی مجاهدین را عمدتاً از زمینه‌ای که داشت جدا می‌بینند. مجاهدین سالهای ۴۰ و ۵۰ اول مبارز بودند و سپس مسلمان. برای ما در درجه اول این مهم بود که باید با رژیم شاه مبارزه کرد. اهداف ما البته با معیارهای مارکسیستی نمی‌خواند و طبعاً ما کمونیست نبودیم ولی نظریه‌مان شکل تمام‌خلقی، عدالت‌جویانه، ضدامپریالیستی و ضداستبدادی داشت و چنین هم بودیم. گیرم از فرهنگ مذهبی که بر ما حاکم بود، برای پیشبرد نظرم‌ان استفاده می‌کردیم. ما اگر چنانچه در آمریکای لاتین بودیم ممکن بود از انجیل همان چیزها را بیرون بیاوریم و استفاده کنیم. از طرف دیگر به همین دلیل که ما اول مبارز بودیم یعنی با تضاد فقر و ثروت آشنا بودیم و با سلطه و حاکمیت این سیستم قصد مبارزه داشتیم طبیعی است از چیزی که به آن «علم انقلاب زمانه» می‌گفتیم یعنی مارکسیسم روی نتابیم و نسبت به آن نظر خوبی داشته باشیم. به همین دلیل انقلاب کوبا یا انقلاب چین برایمان اهمیت داشتند؛ و نه از این جهت بود که سیستم کسب قدرت از طریق حزب یا کانون‌های مسلح اهمیت داشت، برای ما این مسئله کمتر مطرح بود. نظرم‌ان بر این بود که هر طور شرایط خودمان ایجاب می‌کند عمل کنیم، نه با دنباله روی از این یا آن‌تر. اینکه در سال ۵۲ رژیم می‌گفت مارکسیست‌های اسلامی پر بیراه نمی‌گفت. بخاطر اینکه ما تکه‌بریده‌هایی از مارکسیسم و تکه‌بریده‌هایی از اسلام را کنار هم می‌گذاشتیم. برای ما پیش بردن امر مبارزه اجتماعی و رها شدن از آن چیزی که ما آن را خلاف عدالت اجتماعی و خلاف انسانیت می‌دانستیم یعنی امپریالیسم، استعمار، استبداد و استثمار مهم بود؛ بنابراین به نظرم‌ان راه‌های پیموده شده در چین، کوبا، شوروی و تجربه انقلاب اکتبر کاملاً قابل مطالعه و آموزنده بود.

انشعاب سال ۱۳۵۴ به‌طور کلی ضربات مهلکی را بر این سازمان وارد کرد. ساواک طی مدت کوتاهی توانست تعداد زیادی از افراد و گروه‌های پراکنده مارکسیست و مذهبی وابسته به سازمان مجاهدین را به تدریج شناسایی کند و از بین ببرد؛ به‌طوری‌که از اواسط سال ۱۳۵۵ دیگر عملاً سازمانی وجود نداشت. از طرف دیگر انشعاب در سازمان مجاهدین باعث شد که برخلاف دوره‌های قبل اتحاد استراتژیک بین نیروهای مارکسیست و مذهبی در مقابله با شاه



از بین رفته و جای خود را به بدبینی شدید و مرزبندی دقیق بین مارکسیست ها و مذهبی ها بدهد. گروه های مسلح مذهبی جدید بر خلاف قبل، از همکاری با نیروهای مارکسیست به خاطر عقاید ضد دینی و ترس از خیانت آن ها پرهیز می کردند. گفته شده که سرخوردگی مجاهدین از پشتیبانی روحانیون و ناتوانی در جذب روشنفکران جدید که غیرمذهبی بودند از جمله علل گرایش نهایی سازمان به مارکسیسم می باشد.

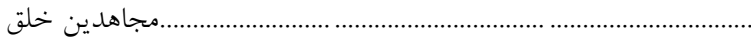
پس از انقلاب اسلامی ایران



دیدار مسعود رجوی و موسی خیابانی با روح الله خمینی

روز ۳۰ دی ۱۳۵۷ آخرین سری زندانیان سیاسی سازمان مجاهدین از زندان قصر آزاد شدند، مسعود رجوی در اولین سخنرانی پس از آزادی از زندان در ۴ بهمن ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران بر شعار «پیروز باد انقلاب دموکراتیک ایران» تأکید کرد و گفت: «مگر می شود بهار را از آمدن بازداشت و مانع روئیدن لاله ها شد، و مگر می شود ملتی را تا به ابد اسیر نگه داشت؟ مگر می شود خلقی را تا به ابد در زنجیر نگه داشت؟ نه ... نه ..».

در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ایران، مجاهدین خلق این واقعه را به رهبر انقلاب (سید روح الله خمینی) و ملت ایران تبریک گفتند و او را «امام» نامیدند. مسعود رجوی که مدتی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ و سرنگونی شاه، در ۳۰ دی ۱۳۵۷ از زندان آزاد شده و ریاست سازمان مجاهدین را به عهده گرفته بود، به همراه موسی خیابانی به دیدار سید روح الله خمینی رفتند. مجاهدین با استفاده از فضای آزادتری که پدید آمده بود، با بالا گرفتن تب فعالیت های سیاسی همچون سایر احزاب به سرعت رشد کرد. دیدگاه ها و نگرش های مختلف احزاب و گروه ها



فاز سیاسی سازمان

در پی تعیین صلاحیت نامزدهای اولین انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸، مسعود رجوی به عنوان کاندید سازمان مجاهدین، اعلام آمادگی نمود که مخالفت برخی همچون جمعیت فدائیان اسلام را برانگیخت. این گروه طی نامه سرگشاده‌ای به شورای انقلاب، خواستار حذف برخی کاندیدها، که منحرف نامیده بود، شد و عنوان داشت که در غیر این صورت، خود وارد عمل خواهد شد. متعاقباً در تاریخ ۲۹ دی، از سید روح‌الله خمینی درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری و اعتقاد نامزدها به قانون اساسی، پرسشی به عمل آمد و وی در پاسخ نوشت: «کسانی که به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت نداده‌اند، صلاحیت ندارند، رئیس‌جمهور ایران شوند.»



تلگراف سازمان مجاهدین خلق ایران به روح‌الله موسوی خمینی



با اعلام نظر خمینی، رجوی از دور انتخابات کنار رفت و سازمان مجاهدین خلق تلویحاً وزارت کشور را در این امر مقصر قلمداد کرد. از آن روز به بعد، مجاهدین به صورت علنی به محکوم کردن حکم خمینی پرداختند و مقامات دولتی نیز در پاسخ، به توقیف روزنامه‌ی مجاهدین، که فروش آن ۱۶ برابر بیشتر از روزنامه‌ی روحانیون حاکم (حزب جمهوری اسلامی) بود، بازداشت چندین تن از سران آن سازمان و ممنوع اعلام کردن فعالیت آن‌ها پرداختند. اتفاقات دیگری همچون دستگیری محمدرضا سعادتی، یکی از مهم‌ترین اعضای سازمان، آن هم به اتهام جاسوسی، وضعیت را وخیم‌تر کرد.

در این مرحله، یعنی بعد از سرنگونی نظام سلطنتی، تا سرفصل ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ که مجاهدین به آن فاز سیاسی می‌گویند، برنامه‌ی کار مجاهدین فعالیت افشاگرانه‌ی سیاسی بود. در همین ایام نشریه‌ی مجاهد که ارگان رسمی سازمان مجاهدین بود با تیراژ قریب به ۵۰۰ هزار نسخه در سراسر کشور منتشر می‌گردید.

پیشنهاد مجاهدین خلق درباره لانه جاسوسی آمریکا

سازمان مجاهدین خلق ایران طی نامه‌ای به حضور امام خمینی پیشنهاد کردند که لانه جاسوسی آمریکا به موزمبیان آمریکا و شهدای انقلاب تبدیل شود.

مترجمه بشرح زیر است:

بسم خدا و بسم خلق قهرمان ایران
سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن بزرگداشت اراده
ضد امپریالیستی دانشجویان پروامادر اقدام به تسخیر لانه
جاسوسی آمریکا که آمیواریم، مقدمه قطع گتیه و آبستکی
های استعماری مین ما باشد، بدینوسیله به خواهران و
برادران عزیز دانشجوی پیشنهاد می‌کند که چنانچه موافقت
داشته باشند متفقا از محضر امام استعفا نماییم پس از قطع
رابطه با آمریکا لانه جاسوسی مزیور به موزه جنایات
آمریکا و شهدای انقلاب تبدیل گردد. گدالینگ لانه جاسوسی
اسرائیل غاصب نیز در گذشته به سفارت فلسطین ارتقاء یافت.
باشد که باتاسیس چنین موزهای بین‌رھائی بخش ضد امپریالیستی
انقلاب اسلامی از مرزهای ملی نیز در گذشته و ندای آزادی
ورستگاری رابه گوش تمام رنجبران و مستضعفین جهان
برساند. مرگ بر امپریالیسم آمریکا. استوار باد پیوند رھائی
بخش ضد امپریالیستی همه ستکشان و مستضعفین جهان.
مجاهدین خلق ایران- ۱۷/۹/۵۸

پیشنهاد سازمان مجاهدین خلق در مورد استفاده از سفارت‌خانه‌های آمریکا و اسرائیل، ۱۹ آبان ۱۳۵۸

قیام مسلحانه

مسعود رجوی از چند ماه پیش از وقایع خرداد ۱۳۶۰ در مصاحبه‌ای در اسفند ماه ۵۹ پیش‌بینی کرده بود که در صورت عدم تشکیل «یک مجلس واقعاً ملی فراگیر» به معنی مجلسی که شامل اعضای سازمان باشد، «خبری از زندگی مسالمت‌آمیز در کار نخواهد بود».



به گفته سعید حجاریان، در اسنادی که سال ۶۶ از سازمان مجاهدین به دست آمد، مسعود رجوی تحلیل کرده بود که اگر با بنی‌صدر متحد شود «قطعی است که می‌تواند رژیم را جارو کند» و پیشنهاد کرده بود که با ریختن نیروها به خیابان بنی‌صدر را تحریک به مقابله با رژیم کنند. ابراهیم یزدی، گفته‌است که رهبری سازمان پیشتر از وقایع خرداد ۱۳۶۰ دچار «تخیلات انقلابی» شده بود و در دیداری به او گفته بودند که می‌خواهند «تجربه انقلاب را تکرار کنند»؛ اما او به صراحت به آن‌ها گفته‌است «شما اشتباه می‌کنید... امروز بدنه جامعه با شما نیست. شما یک گروه اقلیت و کوچکی هستید و اگر بخواهید این کارها را بکنید... متلاشی خواهید شد.» کیهان در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ نوشت که مجاهدین خلق انتظار سقوط بنی‌صدر و عدم حمایت مردم از او را نداشتند و به همین دلیل به شیوه نهایی خود که جنگ مسلحانه با نظام بود روی آوردند. به گفته یکی از مسئولان حفاظت مرکزی سازمان، مسعود رجوی از قبل طی سفرهایی نظر مساعد دولت‌های خارجی از جمله عراق، فرانسه و آمریکا را برای قیام مسلحانه به دست آورده بود.

اتحاد با بنی‌صدر و آغاز مبارزه مسلحانه

به دنبال کشمکش‌ها و اختلاف نظرهای رئیس‌جمهور وقت، ابوالحسن بنی‌صدر با حزب جمهوری اسلامی و تلاش ناموفقش در جهت سلب اختیارات آنان و در نتیجه از دست دادن حمایت خمینی، از آن‌جا که او به تنهایی توان مقابله با مخالفانش را نداشت و پیش‌تر هیچ‌گاه به ایجاد یک حزب یا ائتلاف اقدام نکرده بود، با مجاهدین خلق که پیش‌تر از آن‌ها به شدت انتقاد کرده بود، متحد شد. در اواخر ماه خرداد او که برای حفظ جان خویش در اختفا به سر می‌برد، مردم را به قیام فراخواند. مجاهدین خلق نیز در پی تعارضات شدید با نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۹، از بنی‌صدر حمایت کرده و در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۶۰ از هواداران‌شان خواستند تا علیه نظام به خیابان‌ها بریزند. یک روز پس از آن، تظاهرات خشونت‌آمیزی در شهرهای مختلف کشور به راه افتاد. در تهران حدود پانصد هزار نفر در خیابان‌ها به دادن شعار و اعتراض و درگیری با نیروهای نظام پرداختند. نظام نیز با اعلام خمینی، مبنی بر اینکه «آنان که علیه حاکمان شرع حرف می‌زنند، با اسلام به مبارزه می‌پردازند»، به سرعت عکس‌العمل نشان داد. چنان‌که تنها در اطراف دانشگاه تهران حدود ۵۰ نفر کشته، ۲۰۰ نفر مجروح و ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند. روز بعد، بنی‌صدر برکنار و دستور بازداشت او



توسط خمینی، به اتهام خیانت و توطئه علیه نظام، صادر شد و به این ترتیب رقابت‌های سیاسی وارد عرصه ی خشونت‌آمیزی گشت.

بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی

در روز ۷ تیر ۱۳۶۰ در حالی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی، اجلاسی از سران آن در حال برگزاری بود، بمب قدرتمندی منفجر شده و بیش از هفتاد تن از مقامات بلندپایه حکومتی از جمله، دبیرکل حزب و رئیس دیوان عالی کشور بهشتی، چهار تن از وزرای کابینه ی دولت، ۲۳ نماینده ی مجلس و چندین تن از دیگر مقامات ترور شدند. مدتی بعد کرسی ریاست جمهوری به محمدعلی رجایی سپرده شد و به سمت دبیرکل حزب جمهوری اسلامی انتخاب شد. هم چنین وی محمدجواد باهنر را به مقام نخست‌وزیری خویش برگزید. مسعود رجوی و ابوالحسن بنی‌صدر که در خفا به سر می‌بردند، توسط خلبان اختصاصی شاه سابق ایران، بهزاد معزی، طی یک عملیات پروازی از پایگاه یکم شکاری مهرآباد به وسیله ی یک جت مسافربری از کشور خارج و در فرودگاه پاریس فرود آمدند. رجوی و بنی‌صدر به همراه برخی گروه‌های دیگر، آغاز فعالیت شورای ملی مقاومت را برای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی اعلام کردند.

بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیری ایران

دو ماه پس از حادثه ی بمب‌گذاری ماه تیر، در انفجار مهیب دیگری در دفتر نخست‌وزیری به تاریخ ۸ شهریور، رجایی و باهنر ترور شدند. گرچه هیچ گروهی مسئولیت بمب‌گذاری‌ها را برعهده نگرفت، اما جمهوری اسلامی، مجاهدین خلق را عامل این اقدامات اعلام نمود. با این وجود مجاهدین مسئولیت دیگر ترورها را پس از عزل بنی‌صدر پذیرفتند. از جمله: ترورهایی که در فاصله چند ماه اتفاق افتاد، می‌توان به ترور امام جمعه شهرهای تبریز، کرمان، شیراز، یزد و باختران، یک استاندار، سرپرست زندان اوین، تنی چند از قضات دادگاه‌های انقلاب، نمایندگان مجلس، مقامات پایین رتبه دولتی و اعضای سازمان‌های انقلابی اشاره کرد.



درگیری با نیروهای سپاه پاسداران

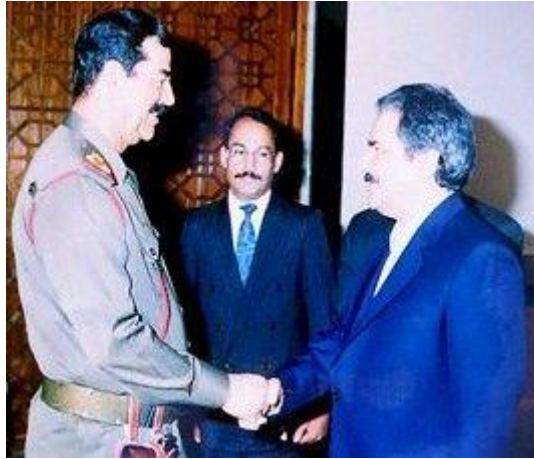
در ماه شهریور ۱۳۶۰، مجاهدین، هواداران جوان خود را برای اعتراض و درگیری مسلحانه با عوامل حکومتی به خیابان‌ها فرستادند. در تاریخ ۵ مهر ماه ۱۳۶۰ آنان از تیربار و موشک انداز آر پی جی علیه نیروهای سپاه پاسداران استفاده نمود و برخی از گروه‌های کوچک‌تر چپ‌گرا همچون چریک‌های فدایی، دست به اقدامات چریکی مشابهی زدند. حکومت وقت در پاسخ به اقدامات مسلحانه، نیروهای ضداطلاعاتی سپاه را بسط داد و در ابعادی وسیع به دستگیری بسیاری از اعضای گروه و افراد مشکوک به همکاری با آنان شد.

در روز ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ نیروهای سپاه پاسداران موفق به کشف محل اختفای اصلی رهبران مجاهدین در تهران در محله زعفرانیه شده و پس از محاصره آن محل و چند ساعت درگیری مسلحانه آن را تصرف کردند. در این واقعه ۲۳ نفر از جمله موسی خیابانی مرد شماره ۲ سازمان، آذر رضایی همسر موسی خیابانی و اشرف ربیعی، همسر اول مسعود رجوی، کشته و پسر خردسال مسعود و اشرف نیز به اسارت درآمد. این واقعه از سوی مجاهدین به «عاشورای مجاهدین» نامیده شد.

با وجود وقوع حوادث خشونت‌آمیز سال ۱۳۶۰ و کشته شدن برخی مقامات بلندپایه، بر خلاف پیش‌بینی مجاهدین خلق و سایر مبارزان مسلح که با ضربه وارد آوردن به وسیله‌ی عملیات مسلحانه و حذف فیزیکی نیروهای «مکتبی»، امید به سلب قدرت و ضعیف نمودن آنان داشتند، نه تنها از قدرت این نیروها کاسته نگردید، بلکه تمامی مراکز تصمیم‌گیری نیز در اختیار آنان قرار گرفته و فضای سیاسی کشور بسته شد. بدین ترتیب، همه گروه‌های سیاسی، جز آن‌هایی که در ردیف نیروهای «مکتبی» قرار داشتند، از میدان خارج شدند.



انتقال به عراق



استقبال رسمی از مسعود رجوی (راست) توسط رئیس‌جمهور سابق عراق صدام حسین (چپ)

در سپتامبر ۱۹۸۰ این گروه با انتقال به عراق، شروع به مبارزه علیه ایران با همکاری ارتش بعث عراق نمودند. در سال ۱۹۸۶ میلادی دولت فرانسه مجاهدین را به خروج از پاریس مجبور کرد و از آن پس مرکز استقرار آن‌ها شهر بغداد پایتخت عراق شد. مجاهدین پس از آن به تأسیس شهری در شمال بغداد، در استان دیاله اقدام کردند. این شهر که شهر اشرف نامیده می‌شد، مرکز اقامت مجاهدین بود و پس از اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف ضدترور از سال ۲۰۰۳ تا اول ژانویه ۲۰۰۹ توسط آمریکایی‌ها حفاظت می‌شد. دولت عراق از ۱ ژانویه سال ۲۰۰۹ مسئولیت اداری قرارگاه اشرف را به دست گرفت که این موضوع باعث نگرانی ساکنان این اردوگاه و حامیان آن‌ها شد.

پس از انتقال اعضا به عراق، زوج‌ها ملزم به جدایی از یکدیگر شدند و سازمان فرزندان‌شان را به اروپا منتقل کرد. بسیاری از آنان دیگر فرزندان‌شان را ندیدند. یک بازدیدکننده اروپایی از قرارگاه اشرف می‌گوید: «حدود دو دهه پیش، خانواده‌هایی که در این اردوگاه زندگی می‌کردند منحل شدند؛ زوج‌های متأهل به اجبار از هم طلاق گرفتند و بچه‌های آنان به خارج فرستاده شدند و بسیاری از آنان در حال حاضر با هواداران گروه در کشورهای غربی زندگی می‌کنند که سرگرم پرورش این کودکان براساس عقاید مجاهدین خلق هستند که یک ناظر بی‌طرف از آن به عنوان نوعی فرقه یاد کرده‌است.»



پس از بازگشت مسعود رجوی در سال ۱۳۶۵ به عراق، در سال ۱۳۶۶ مجاهدین، ارتش آزادی‌بخش ملی را به منظور سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، تأسیس کرده و در سراسر مرز ایران و عراق، با همراهی با ارتش عراق در جنگ عراق علیه ایران، دست به تهاجم علیه نیروهای نظامی ایران زدند و تا مرداد ۱۳۶۷ بیش از صد رشته عملیات نظامی علیه سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی انجام دادند.

این سازمان هم چنین متهم به همکاری با صدام در سرکوب و قتل‌عام کردها و شیعیان عراق در انتفاضه شعبانیه است. هرچند که سازمان این اتهام را رد می‌کند.

عملیات نظامی مستقیم علیه ایران

چندی پس از انتقال اغلب نیروهای سازمان به عراق و تغییر استراتژی جنگ چریکی به جنگ کلاسیک، در آخرین سال جنگ ایران و عراق و در شرایطی که توان نظامی ایران در پی چندین سال جنگ فرسایشی و توان اقتصادی و روحی ایرانیان با کاهش بسیار شدید درآمدهای نفتی شدیداً تحلیل رفته‌است، سازمان مجاهدین، رویارویی علنی با نیروهای ایرانی در جبهه‌ها را آغاز می‌کند.

عملیات آفتاب

این عملیات برای اول فروردین سال ۱۳۶۷ در اطراف شوش برنامه‌ریزی شده بود، اما درگیری دو تن از نیروهای شناسایی سازمان و دستگیر شدن آن‌ها توسط نیروهای ایرانی، منجر به تردیدهایی پیرامون لو رفتن احتمالی عملیات و تعویق یک هفته‌ای آن شد. نهایتاً این عملیات در ۸ فروردین آغاز شد.

در جریان این عملیات و بر اساس ادعای مجاهدین، تلفات وارده به لشکر ۷۷ خراسان ۳۵۰۰ تن کشته و مجروح و ۵۰۸ اسیر، بیان می‌شود و مقدار زیادی تجهیزات جنگی به غنیمت آنان درآمد. مجاهدین تعداد تلفات خود را ۱۲۳ نفر گزارش داده و پس از اجرای عملیات منطقه را ترک و به خاک عراق بازگشتند.



عملیات چلچراغ

سه ماه پس از عملیات آفتاب که مجاهدین را در موقعیت سیاسی و تبلیغاتی مناسبی قرار داد، در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷، سازمان عملیات چلچراغ را اجرا می‌کند. هدف از این عملیات تصرف شهر مهران است که محقق می‌شود. این عملیات در ابتدا به صورت مشترک بین تیپ‌های زرهی عراق و پیاده سازمان مجاهدین شروع شد. این تهاجم در چهار محور به‌طور ۵۰ کیلومتر و عمق ۲۰ کیلومتر صورت گرفت. گفته می‌شود شب قبل از آغاز عملیات، ارتش عراق اقدام به آتش بر روی محورهای منطقه می‌کرد.

مجاهدین برای حمله و تصرف مهران از از چهار محور به شهر مرزی مهران هجوم برده و شهر را تصرف کردند.

بنا به ادعای سازمان مجاهدین در عملیات چلچراغ لشکر ۱۶ زرهی قزوین، لشکر ۱۱ سپاه پاسداران و گردان‌های مختلف توپخانه و کاتیوشای حکومت اسلامی به‌طور کامل از بین رفته و ۸ هزار تن از نیروهای نظامی کشته و زخمی شدند. ۱۵۰۰ نفر نیز در داخل این عملیات اسیر شدند. پس از انجام عملیات و تصرف مهران، نیروهای سازمان اقدام به جمع‌آوری تجهیزات و وسایل خود کرده و در ظرف دو روز به پشت مرزهای عراق برگشتند.

منابع ایرانی ضمن پذیرش شکست در مهران، اعلام کردند که پیروزی مجاهدین ناشی از پشتیبانی ارتش عراق و استفاده از تسلیحات شیمیایی بوده‌است.



عملیات فروغ جاویدان



تصویری از چند فرد کشته شده وابسته به سازمان مجاهدین خلق طی عملیاتی که سازمان مجاهدین از آن با عنوان «فروغ جاویدان» و دولت ایران از آن با عنوان «مرصاد» یاد می کند.

شش روز پس از قبول قطعنامه‌ی آتش بس توسط ایران و در شرایطی که نیروهای عراقی با بهره برداری از ضعف شدید روحیه نیروهای ایرانی، مجدداً به خرمشهر حمله کرده و تا آستانه‌ی تصرف آن پیش می روند، سازمان مجاهدین عملیاتی با نام فروغ جاویدان را آغاز می کند.

مسعود رجوی در شب آغاز عملیات گفت: «براساس تقسیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... کاری که ما می خواهیم انجام دهیم در حد توان و اشل یک ابرقدرت است؛ چون فقط یک ابرقدرت می تواند کشوری را ظرف این مدت تسخیر کند... از پایگاه نوژه هم ترسی نداشته باشید؛ هر سه ساعت به سه ساعت دستور می دهم هواپیماهای عراقی بیایند و آن جا را بمباران کنند. پایگاه هوایی تبریز را هم با هواپیما هر سه ساعت به سه ساعت مورد هدف قرار خواهیم داد... علاوه بر آن، ضدهوایی و موشک سام ۷ هم که داریم... هوانیروز عراق تا سرپل ذهاب به همراه ستون ها خواهد بود. از نظر هوایی ناراحت نباشید چون هواپیماهای عراقی پشتیبان ما هستند و تمام ماشین ها به صورت ستون حرکت می کنند.»

هدف مجاهدین از این عملیات تصرف تهران اعلام شد اما بر خلاف دو عملیات قبلی، به شکست گسترده و تلفات شدید سازمان منتهی می شود. مطابق اعلام رسمی مجاهدین ۱۳۰۴



نفر از اعضای آن طی این عملیات کشته شدند. هاشمی رفسنجانی در این مورد می‌گوید: «تدارک منافقین خیلی وسیع بوده و ضربه وارده بر آن‌ها خیلی عمیق است. ۱۲۰ تانک زرهی دجله، ۶۰ نفربر و ۶۰۰ خودرو دیگر، حدود ۵۰۰۰ رزمنده و همین تعداد پشتیبانی و تدارک‌چی و طرح رسیدن به تهران، خیلی احمقانه و ساده لوحانه و هفتاد درصد انهدام»

این آخرین فرصتی بود که از سوی صدام به مجاهدین برای تجزیه‌ی بخشی از خاک ایران و ایجاد یک منطقه‌ی خودمختار داده شده بود.

اعدام اعضای زندانی در سال ۱۳۶۷ توسط حکومت ایران

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در هجدهم ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی، توسط ایران، برای آتش‌بس جنگ هشت ساله بین این کشور و عراق، در ۲۴ ژوئیه، سازمان مجاهدین خلق، برای براندازی دولت اقدام به حمله‌ای گسترده به مرزهای غربی و جنوب غربی ایران تحت عنوان «عملیات فروغ جاویدان» نمود و جمهوری اسلامی در پاسخ به این حمله، «عملیات مرصاد» را به اجرا گذاشت. اگرچه عملیات نظامی مجاهدین به راحتی توسط نیروهای ایرانی خنثی شد، اما دستاویزی برای مقامات حکومتی فراهم کرد تا بسیاری از مخالفان سیاسی از جمله مجاهدین را که چندین سال پیش از آن دستگیر و محکوم شده بودند را به صورت فیزیکی حذف نمایند. حسین علی منتظری، که هنگام اعدام‌ها از مقامات بلندپایه‌ی جمهوری اسلامی و قائم مقام رهبری بود، بعدها در خاطرات خود مطالبی درباره آن اعدام‌ها نگاشت که نشان می‌دهد دستور اعدام تمامی زندانیان سیاسی که تا آن زمان بر عقیده‌ی خود پابرجا بودند، توسط خمینی، در اواخر تابستان سال ۱۳۶۷ صادر شده‌است. بنا به گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، این اعدام‌ها که در اقصی نقاط ایران به انجام پیوست، اغلب در نقاطی بسیار دور از محل حمله و شامل زندانیان سیاسی از جمله تعداد نامعلومی زندانیان عقیدتی که پیشتر سال‌ها در زندان به سر می‌برده‌اند بوده‌است. بدین دلیل این افراد نمی‌توانستند نقشی در حمله یا جاسوسی ایفا کرده باشند. بسیاری از آنان پیش از اعدام، محاکمه و به مدت‌های مختلفی به حبس در سال‌های آغازین دهه‌ی هشتاد محکوم شده بودند و در فعالیت‌های غیرخشونت‌آمیز از جمله پخش روزنامه یا اعلامیه یا تظاهرات شرکت داشتند و بسیاری نیز در زمان دستگیری دانشجویان آموزش و کم سن و سال بوده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل طی سال ۱۹۸۱ این اعدام‌ها را ثبت کرده‌است. گزارش‌ها حاکی است که محاکمه‌ها در صورتی که اصلاً محاکمه‌ای در کار می‌بود، شتاب‌زده انجام می‌شد و



به متهمان امکان تعیین وکیل یا دفاع از خود داده نمی‌شد. در میان قربانیان آن سال تعداد زیادی از نوجوانان و زنان وجود داشتند. اکثریت اعدام‌شدگان آن سال از هواداران سازمان مجاهدین خلق بودند، اما صدها عضو و هوادار گروه‌های سیاسی دیگر از جمله سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (جناح‌های مختلف)، حزب توده، حزب دموکرات کردستان، راه کارگر و دیگران نیز به‌همراه آنان اعدام گشتند.

انقلاب ایدئولوژیک

پس از شکست در عرصه جنگ با ایران مسعود رجوی دستور انقلاب ایدئولوژیک را صادر کرد. در انقلاب ایدئولوژیک جدایی اجباری اعضای متأهل، فرستادن فرزندان این افراد به اروپا و برگزاری جلسات اعتراف به گناهان در حضور جمع به اعضای سازمان تحمیل شد. در این فرایند به اعضای سازمان گفته می‌شد که آن‌ها در صورت تبعیت از رجوی مسئولیتی در برابر خدا نخواهند داشت زیرا رجوی مسئولیت پیروانش را بر عهده خواهد گرفت. یرواند آبراهامیان بر این عقیده است که در اوایل سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۷ میلادی) سازمان مجاهدین خلق همه ویژگی‌های اصلی یک فرقه مذهبی - سیاسی را دارا بود. رهبری ستایش شده که عنوان رسمی رهبر یا مسئول اول و به‌طور غیررسمی امام نامیده می‌شد. لقب امام حال شباهت زیادی به لقب امام زمان منجی مورد انتظار شیعیان دارد. رجوی با اشاره قلم شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق را منحل کرد و شورایی پانصد نفره را جایگزین آن کرد. مجاهدین سلسله مراتبی خشک خلق کرد که در آن دستورات از بالا می‌آمد و افراد رده پایین سازمان وظیفه‌ای جز اطاعت کردن بدون پرسش زیاد ندارند. سازمان کتابچه‌های راهنمای خاص خودش، فهرست سانسور و البته یک ایدئولوژی منقرض را تولید کرد. ایدئولوژی سازمان به رغم اینکه این موضوع را تکذیب می‌کرد عبارت بود از ترکیب پیام‌های مذهب تشیع با علوم اجتماعی مارکسیستی.

وضعیت بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق

بعد از خاتمه ی جنگ، مجاهدین کلیه ی نیروهای خود را در قرارگاه اشرف متمرکز نمودند. مسعود رجوی رهبر گروه از آن زمان به بعد دیده نشده و به احتمال فراوان کشته شده‌است. گرچه سازمان مجاهدین با پخش پیام‌هایی منسوب به وی مدعی زنده بودن اوست. این شهر موضوع اصلی‌ترین اختلاف بین مجاهدین و جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی



تلاش‌های زیادی برای منحل کردن و اخراج اعضای مجاهدین یا بازگرداندن آن‌ها به ایران چه مستقیماً و چه از طریق افراد وابسته به خود در دولت عراق به کار بست. متقابلاً مجاهدین نیز دست به کمپین گسترده‌ای در میان مردم عراق زدند تا حمایت‌هایی را کسب نمایند؛ از جمله اعلام نمودند که ۵ میلیون و دویست هزار نفر از مردم عراق با امضای بیانیه‌ای، حمایت خودشان را از مجاهدین اعلام کرده و خواهان خلع ید از جمهوری اسلامی در عراق شدند. در این حال مشاور امنیت ملی عراق اعلام کرد که دولت عراق به اعضای گروه مجاهدین خلق اعلام کرده‌است که دو راه بیش‌تر ندارند، یا این که به ایران بازگردند یا کشور دومی را برای حضور خود انتخاب کنند، چرا که تحت هیچ شرایطی دیگر نمی‌توانند در خاک عراق بمانند. با شروع انتقال اکثر ساکنین اشرف به کمپ لیبرتی آخرین گروه از اعضای سازمان مجاهدین خلق در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی از قرارگاه اشرف خارج، و بیش‌تر از ۲۰۰۰ نفر از اعضای این گروه در لیبرتی ساکن شدند. با این حال همچنان شمار اندکی از اعضا در اردوگاه ماندند که در پی حمله‌ای در سپتامبر ۲۰۱۳ این اردوگاه به‌طور کامل تخلیه شد. در نهایت در سال ۱۳۹۵ کمپ لیبرتی تعطیل شد و آخرین افراد سازمان مجاهدین خلق ایران به کشورهای اروپایی و بیش‌تر به آلبانی کمپ تیرانا منتقل شدند.

قرار گرفتن در فهرست سازمان‌های تروریستی

بعد از آن که محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران انتخاب گردید، سیاست‌مداران آمریکایی در دولت وقت آمریکا، یعنی دولت کلینتون که سالیان به دنبال جناح میانه‌رویی درون نظام جمهوری اسلامی بودند، از انتخاب محمد خاتمی استقبال کرده و برای نزدیک شدن به وی و بنا به درخواست وی به منظور نشان دادن حسن نیت خود، نام سازمان مجاهدین را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دادند. در همان اوان، مارتین ایندیک، معاون وزارت خارجهی آمریکا در امور خاور نزدیک، به این واقعیت اذعان نمود. این واقعیت توسط مقامات دیگری از ایالات متحده نیز اذعان شده‌است. بار دیگر در تاریخ ۱۲ ژانویه سال ۲۰۰۹ وزارت امور خارجه آمریکا، مجاهدین خلق را یک گروه تروریستی شناخت.

خروج از فهرست سازمان‌های تروریستی و واکنش‌ها

در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۸۹، یک دادگاه استیناف در واشینگتن دی سی آمریکا حکم کرد که نگه داشتن سازمان مجاهدین در لیست تروریستی آمریکا اشتباه بوده‌است و اینکه وزارت خارجه



آمریکا می‌باید در این نامگذاری تجدید نظر کند. این موضوع برای این سازمان که ۱۳ سال برای خارج شدن از لیست تروریستی آمریکا تلاش می‌کرد یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود.

روز دوشنبه، ۷ بهمن ۱۳۸۷، شورای وزیران اتحادیه اروپا با خارج شدن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی اتحادیه اروپا موافقت کرد. مریم رجوی در اطلاعیه‌ای که از سوی شورای ملی مقاومت صادر گردید گفت: «با لغو برچسب تروریستی سیاست استمالت اروپا در هم شکست و چرخ‌های تغییر در ایران با شتاب مضاعف شروع به حرکت خواهند نمود.»

پیش از آن نیز در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷، دادگاه ویژه‌ای در بریتانیا رأی داد که دولت این کشور، بایستی نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از فهرست گروه‌های تروریستی حذف و فعالیت‌شان را در بریتانیا قانونی اعلام کرد. بیش از ۱۰۰ عضو پارلمان اروپا از باراک اوباما خواستند که نام مجاهدین خلق را از لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا حذف نماید. قانون‌گذاران در نامه‌ای گفتند که سازمان مجاهدین خلق ایران به‌وضوح نشان داده‌است که دشمن بنیادگرایی اسلامی است.

کمیته ی پارلمانی ایران آزاد که از حمایت اکثریت مجلس عوام و بیش از ۲۰۰ عضو مجلس اعیان برخوردار است، روز ۱۵ مه ۲۰۰۹ اعلام کرد: «در یک کنفرانس مطبوعاتی در مجلس عوام بریتانیا، اعلام شد که بیش از ۱۸۰ نماینده از هر دو مجلس و از احزاب مختلف با ارسال نامه‌ای به پریزیدنت باراک اوباما از وی خواهان حذف نام گروه اصلی آپوزیسیون ایرانی، سازمان مجاهدین خلق ایران، از لیست سازمان‌های تروریستی خارجی گردیدند. لرد کوربت، رئیس کمیته ی پارلمانی ایران آزاد اعلام کرد قانون‌گذاران بریتانیایی بخشی از ۵۰۳ پارلمان اروپایی هستند که ابتکار عمل جدید در رابطه با اتخاذ سیاست جدید در قبال ایران را به آمریکا پیشنهاد کرده‌اند.

اقدام اتحادیه اروپا با اعتراض جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. قشقایی سخنگوی وقت وزارت خارجه ایران گفت: «این مسئله برخورد کاملاً دوگانه و گزینشی با موضوع تروریسم را نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا که در راستای سیاست تروریسم خوب و تروریسم بد، حرکت می‌کند، علاوه بر جنایاتی که منافقین در ایران و عراق انجام داده‌اند کاملاً واضح و روشن



است که این گروهک فرقه‌گرا، جزئی از تروریسم هستند و دستشان به خون ۱۶ هزار ایرانی آغشته‌است.»

الیزابت روبین در مقاله‌ای در روزنامه ی نیویورک تایمز بر این نکته تأکید کرده بود که حذف این گروه از سازمان‌های تروریستی اقدامی اشتباه خواهد بود. وی در مورد توضیح در مورد این گروه نوشت: «می‌دانید، آن‌ها گروهی از شیعه‌های مارکسیست در زمان آیت‌الله خمینی بودند که علیه محمد رضا پهلوی در ایران به پاخاستند. اما از زمان پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ علیه حکومت ایران فعالیت کردند. آن‌ها بخشی از گروهی بودند که دیپلمات‌های آمریکایی را در سفارت آمریکا در تهران به گروگان گرفت. ۷ آمریکایی را کشتند. پس از انقلاب به فرانسه پناهنده شدند، اما پاریس آن‌ها را در سال ۱۹۸۶ اخراج کرد و به این ترتیب این گروه در عراق مستقر شد و در جنگ ایران و عراق در کنار صدام حسین علیه مردم ایران قرار گرفت. سپس به گمان من مریم و مسعود رجوی به دلایل مذهبی با یکدیگر ازدواج کردند. اما آن‌ها همگان را به طلاق وامی‌دارند و شما در این گروه نمی‌توانید روابط دوستانه داشته باشید. نمی‌توانید ازدواج کنید و به‌طور کلی تمامی انرژی و عشق شما به مسعود و مریم رجوی منتقل می‌شود که قصد تغییر رژیم در ایران را دارند.»

هم‌اکنون این سازمان تنها در دو کشور عراق و ایران به عنوان سازمان تروریستی شناخته می‌شود و هیچ کشور دیگری این سازمان را به عنوان تروریست ذکر نکرده‌است.

خروج از «فهرست گروه‌های تروریستی»

سازمان مجاهدین خلق از طریق لابی‌ها و اکسیون‌های برنامه‌ریزی شده و صرف هزینه‌های هنگفت، سعی در جلب شخصیت‌های پرنفوذ سیاسی به عنوان «حامی» خروج نام این گروه از «فهرست گروه‌های تروریستی» در اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا کرده‌است.

به عنوان نمونه شرکت اکین گامپ استراوس هائور اند فدا بیش از ۸۰۰ وکیل دادگستری که در استخدام دارد، نقش مهمی را در حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از «فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا» داشت. روزنامه نیویورک تایمز، هزینه این شرکت لابی‌گر در آن دعاوی به نفع سازمان مجاهدین را چندین میلیون دلار برآورد کرده‌است.



همچنین، روزنامه نیویورک تایمز نوشت که برخی افراد و سیاستمداران آمریکایی که در میانشان از مدیران سابق سازمان سیا و اف.بی.آی نیز دیده می‌شود از مجاهدین خلق برای حضور در اجتماعات و سخنرانی و حمایت‌های سیاسی رشوه می‌گیرند. «جیمز ولسی» و «پورتو گاس» از رؤسای سابق سیا، «لویی جی. فری» مدیرکل سابق افبی‌آی، «تام ریچ» وزیر امنیت ملی در دولت جورج بوش، «مایکل بی. موکیزی» دادستان کل سابق و ژنرال «جیمز جونز» اولین مشاور امنیت ملی در دوره باراک اوباما از جمله این افراد هستند.

ادوارد رندل، فرماندار پیشین ایالت پنسیلوانیا در ایالات متحده آمریکا که به نفع خروج نام این گروه از «فهرست گروه‌های تروریستی» در ایالات متحده آمریکا فعالیت و در همایش‌های طرفداران این سازمان سخنرانی می‌کند، دریافت مبلغ ۱۵۰ هزار دلار را به عنوان «حق سخنرانی» به نفع این سازمان تأیید کرده‌است.

حکم جلب دادگاه عراقی برای ۳۹ مقام سازمان مجاهدین

دادگاهی در عراق روز ۲۰ تیر ۱۳۸۹، حکم دستگیری ۳۹ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، از جمله مریم و مسعود رجوی، رهبران این گروه، را به اتهام «جنایت علیه بشریت» صادر کرد. اتهام کمک به صدام حسین در سرکوب اکثریت شیعه و اقلیت کرد این کشور مبنای این حکم دادگاه را تشکیل می‌دهد. در سال ۱۹۹۱ و به دنبال جنگ خلیج فارس، شورش‌هایی ضددولتی شعبانیه در جنوب و شمال عراق به راه افتاد که صدام حسین با خشونت بسیار آن‌ها را فرونشاند. سازمان مجاهدین خلق هرگونه کمک به صدام حسین در فرونشاندن این شورش‌ها را تکذیب می‌کند. خبرگزاری رویترز از قول یکی از سخنگویان این سازمان «تصمیم دادگاه عراقی را سیاسی و آخرین هدیه دولت نوری المالکی به دولت ایران» توصیف کرد.



انتخاب دبیرکل سازمان (۱۳۹۶)



مریم رجوی

کنگره سراسری سازمان مجاهدین هم‌زمان به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تأسیس سازمان روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۶ در تیرانا پایتخت آلبانی و ۵ پایتخت دیگر اروپایی برگزار شد. این کنگره در اجتماع خود زهرا مریخی را به عنوان دبیرکل جدید انتخاب کرد. ریاست این کنگره را زهره اخیانی به عهده داشت که از شهریور ۱۳۹۰ دبیرکل این سازمان بود. براساس آئین‌نامه داخلی سازمان مجاهدین خلق دبیرکل هر دو سال یک بار انتخاب می‌شود. این انتخابات در سه مرحله انجام می‌شود. در شور اول که در ۲۹ مرداد ۱۳۹۶ برگزار شد، زهرا مریخی ۸۶ درصد آرای شورای مرکزی این سازمان را از میان ۱۲ کاندیدا به دست آورد. در شور دوم که روز ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ در ۱۰ مرکز برگزار شد وی ۸۴ درصد آرای مسئولان و کادرهای سازمان را از میان ۴ کاندیدا کسب کرد؛ و سرانجام در شور سوم و نهایی در ۱۵ شهریور در یک رأی‌گیری علنی در اجتماع سراسری، وی به اتفاق آرا به‌عنوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران انتخاب شد.

زهرا مریخی پس از انتخاب، با دست گذاشتن بر قرآن و ادای احترام به پرچم ایران و آرم سازمان مجاهدین سوگند خورد که همواره به تعهدات سنگین این مسئولیت پایبند باشد و تمام توانایی خود و سازمانش را، برای استقرار آزادی و دموکراسی در ایران بکار بگیرد. وی قدردانی خود را از تلاش‌های سلف خود، زهره اخیانی و مؤرگان پارسای، رئیس شورای مرکزی مجاهدین خلق، ابراز نمود. او تلاش‌های آن‌ها و دیگر اعضای مجاهدین خلق را در طی ۱۴ سال گذشته، در طول یکی از خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین دوره‌های سازمان در قرارگاه اشرف و کمپ لیبرتی، مورد ستایش قرار داد. مریخی گفت: «سازمان مجاهدین خلق در حال



حاضر دارای ۱۸ همدیف دبیرکل از جمله هفت دبیرکل سابق است.» وی همچنین نرگس عضدانلو ۳۶ ساله، ربیعہ مفیدی ۳۵ ساله و نسرین مسیح ۳۹ ساله را به عنوان معاونین دبیرکل معرفی کرد.

مریم رجوی رئیس شورای ملی مقاومت ایران که در این اجتماع شرکت داشت با تبریک به مناسبت انتخاب زهرا مریخی به عنوان دبیرکل جدید مجاهدین گفت: «این یک انتخاب درخشان، در اوج دموکراتیسم و انسجام و شکوفایی و در راستای سرنگونی فاشیسم دینی است که در هم شکستن طلسم ارتجاع و اختناق را نوید می‌دهد.»

چرخش نگاه اقتصادی

در مرداد ماه سال ۱۳۹۲ استراتژی جدیدی تحت عنوان «برنامه ۱۰ ماده ای برای آینده ی ایران» توسط سازمان مجاهدین خلق منتشر شد که نشان از تغییر و چرخش دیدگاه اقتصادی این سازمان از سوسیالیسم به بازار آزاد حکایت داشت. دربند هشتم این برنامه آمده‌است: «ما مالکیت شخصی، سرمایه‌گذاری خصوصی و بازار آزاد را به رسمیت می‌شناسیم و این اصل را پیشروی خود داریم که چه در اشتغال و چه در کسب و کار، تمام مردم ایران باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.»

ترورها

سازمان مجاهدین خلق از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، اعلام مبارزهی مسلحانه کرد. مسعود رجوی در گزارشی گفته‌است در مرحله اول از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱، ۱۲ هزار نفر کشته شده‌اند. به همین جهت این سازمان از سوی جمهوری اسلامی ایران سازمان تروریستی محسوب می‌شود. علاوه بر عملیات‌های مسلحانه‌ای که سازمان مسئولیت آن را پذیرفته‌است، برخی ترورها و عملیات‌های نظامی دیگر هم به سازمان نسبت داده شده‌است:

کشته شدگان سرشناس

- محمد کچویی؛ ۸ تیر ۱۳۶۰
- حسن آیت؛ ۱۴ مرداد ۱۳۶۰



- اسدالله مدنی؛ ۲۰ شهریور ۱۳۶۰
- عبدالکریم هاشمی نژاد؛ ۷ مهر ۱۳۶۰
- سید عبدالحسین دستغیب و ۱۲ نفر دیگر از همراهان وی در نماز جمعه؛ ۲۰ آذر ۱۳۶۰
- محمد صدوقی؛ ۱۱ تیر ۱۳۶۱
- عطاءالله اشرفی اصفهانی؛ ۲۳ مهر ۱۳۶۱
- اسدالله لاجوردی؛ ۱ شهریور ۱۳۷۷
- علی صیاد شیرازی؛ ۲۱ فروردین ۱۳۷۸

تروورهای ناموفق

- عباس واعظ طبسی؛ در سال ۱۳۶۱
- صادق احسان بخش؛ امام جمعه‌ی رشت در سال ۱۳۶۱
- سید احمد خمینی؛ ۲۵ خرداد ۱۳۶۱

تروورهای منتسب

- انفجار در دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران که در آن محمدعلی رجایی، محمدجواد باهنر و هوشنگ وحید دستجردی به همراه یک‌نفر دیگر کشته شدند.
- سید علی خامنه‌ای؛ ۶ تیر ۱۳۶۰ در مسجد ابوذر تهران که منجر به صدمه دیدن دست راست وی شد.
- بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی؛ ۷ تیر ۱۳۶۰، که در آن سید محمد بهشتی و بیش از ۷۰ تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی کشته شدند.

عملیات مهندسی

به مجموعه اقدامات سازمان مجاهدین در برخورد با اعضای سپاه پاسداران و بسیج و مردم و تلاش برای کسب اطلاعات از طریق شکنجه آنان در مرداد ۱۳۶۱ گفته می‌شود.



در پی لو رفتن خانه‌های تیمی در اوایل سال ۱۳۶۱ مجاهدین اعضای سپاه و افرادی مشکوکی را که در اطراف خانه‌های تیمی مشاهده می‌کردند، ربوده و برای کسب اطلاعات مورد شکنجه قرار می‌دادند. یکی از اعضای جدا شده ی سازمان در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «ما شکنجه می‌کنیم چون مجبور هستیم، ولی وقتی حاکم شویم، نمی‌کنیم ... جنگ ما با رژیم، جنگ دو سازمان مهندسی است. هر کدام بیشتر شکنجه کند، برنده است.» در این عملیات، که از اوایل مرداد تا ۲۵ همان ماه به طول انجامید در مجموع سه پاسدار کمیته انقلاب اسلامی، یک کفاش، یک معلم و یک مهندس هوادار سازمان قربانی شدند.

سایر فعالیت‌ها

- افشای فعالیت‌های مخفی هسته‌ای جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۲ به بعد که در نهایت منجر به صدور چهار قطعنامه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و اعمال تحریم‌های مختلف علیه دولت جمهوری اسلامی شد.
- افشای نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی همراه با انتشار فهرست بیش از ۲۰۰۰۰ نفر از کشته شدگان توسط جمهوری اسلامی. این اقدامات تاکنون باعث گردیده‌است که نظام جمهوری اسلامی تاکنون ۵۴ بار توسط مجمع عمومی و کمیسیون سوم حقوق بشر ملل متحد به خاطر نقض شدید حقوق بشر در ایران محکوم گردد.
- انتشار فهرست ۳۲۰۰۰ تن، که به گفته‌ی این سازمان از مأموران و عوامل وابسته به جمهوری اسلامی در عراق هستند، همراه با شماره ی حساب بانکی و میزان حقوق ماهیانه هر کدام که از نیروی قدس سپاه پاسداران دریافت می‌کنند
- حمایت و همراهی در گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران در آبان ۱۳۵۸
- عملیات ۱۲ بهمن در سال ۲۰۰۰ که طی آن ۱۲ عملیات علیه ایران انجام گرفت
- حمله تقریباً هم‌زمان به سفارت ایران در ۱۳ کشور خارجی در ۱۹۹۲
- قتل کارمندان غیرنظامی و نظامی آمریکایی مشغول در پروژه‌های دفاعی ایران در ۱۹۷۰



تظاهرات سیاسی

سازمان مجاهدین خلق اجتماعات و تظاهراتی‌هایی را در مخالف با جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌کند و در آن‌ها اغلب از افراد غیر ایرانی با پرداخت هزینه سفر، اقامت، غذا و .. استفاده می‌کند. در برخی موارد رسانه‌ها گزارش داده‌اند که برخی از شرکت کنندگان در تظاهرات از ماهیت این سازمان یا اهداف تظاهرات بی‌خبر هستند و گاه حتی از اینکه موضوع اجتماع ایران است، بی‌خبر بوده و تصور می‌کردند در مورد عراق اجتماع کرده‌اند. هرچند شاهین قبادی سخنگوی این سازمان این مطلب را رد کرده و به حکومت ایران نسبت می‌دهد، اما گزارش‌ها فراوانی از سوی رسانه‌های غیروابسته نظیر گاردین در اینبار منتشر شده‌است. برای نمونه آلینا آلیمکوا، دختر دانشجوی قرقیز و خبرنگار آزاد سرویس قرقیزی رادیو اروپای آزاد، در مصاحبه‌ای با رادیو فردا چگونگی جذب شدن و ترغیب شدن برای سفر به پاریس و حضور در اجتماع مجاهدین خلق را تشریح کرده‌است. وی می‌گوید که یک آگهی برای سفر با پاریس با قیمتی باور نکردنی و بسیار ارزان قیمت را دیده‌است و با آگهی دهنده تماس گرفته. به وی گفته شده که با پرداخت تقریباً ۱۵۰ هزار تومان می‌تواند به پاریس برود و یک هفته در یک هتل چهار ستاره همراه با صبحانه اقامت کند به شرط آنکه تنها در یک میتینگ سیاسی حضور داشته باشد. وی می‌گوید که ۳۱ خردادماه ۱۳۹۲ ساعت ۹ شب سوار هشت دستگاه اتوبوس شده و همراه دیگر جذب شدگان که اغلب داشته بوده و شیفته هزینه پایین سر بودند به پاریس منتقل می‌شوند. قبل از حضور در میتینگ تلفن‌ها ی همراه و دوربین‌های همه گرفته می‌شود اما به آنان کوپنی برای دریافت ساندویچ و نوشیدنی رایگان ارائه می‌دهند.

افشای برنامه ی اتمی جمهوری اسلامی

سازمان مجاهدین خلق در کنفرانسی در سال ۲۰۰۲ اطلاعاتی پیرامون سایت نطنز ارائه کرده و مدعی افشای برنامه هسته‌ای ایران برای اولین بار شد. اما منابع آمریکایی و اسرائیلی چندی بعد افشا کردند که این اطلاعات تماماً از منابع دیگر از جمله دستگاه اطلاعاتی اسرائیل بدست آنان رسیده بوده‌است و همچنین پیش از این کنفرانس تصاویر ماهواره‌ای نطنز از سوی برخی سازمان‌های دیگر در آمریکا ارائه شده بود. همچنین در سال ۲۰۰۹ میلادی، این سازمان ادعاهای تازه‌ای پیرامون برنامه ی هسته‌ای ایران ارائه داد که صحت آن را هنوز ثابت نکردند.



اتهام ترور دانشمندان هسته‌ای ایران

برخی از رسانه‌های معتبر آمریکا از جمله ان‌بی‌سی، نیویورک تایمز و نشریه نیویورکر در گزارش‌هایی در سال ۲۰۱۲ میلادی، با استناد به دو مقام آمریکایی مدعی شدند که دولت اسرائیل با همکاری سازمان مجاهدین خلق در ترور دانشمندان هسته‌ای در ایران دست داشته‌است. در واکنش، مقام‌های وابسته به سازمان مجاهدین این موضوع را همواره تکذیب کرده‌اند و آن را «کاملاً دروغ» خوانده‌اند.

انتقادات

ماهیت فرقه‌ای سازمان

بسیاری از اعضای جدا شده سازمان و همچنین محققان این سازمان را دارای ماهیت فرقه‌ای می‌دانند. مخالفت با خانواده و مغزشویی از ویژگی‌های اصلی فرقه است. مسعود رجوی در سال ۱۹۸۵ اولین مرحله از آنچه انقلاب ایدئولوژیک می‌خواند را اعلام کرد. مرحله تبدیل شدن مجاهدین خلق از سازمان به فرقه از این مرحله آغاز گردید. در این مرحله مهدی ابریشمچی از اعضای رده بالای سازمان همسر خود مریم قجر عضدانلو را طلاق داد و مریم قجر با مسعود رجوی ازدواج کرد.

در فاز بعدی از آنچه رجوی انقلاب ایدئولوژیک می‌نامید در سال ۱۹۹۰ و پس از پایان جنگ ایران و عراق و شکست سازمان در برابر ایران، همه اعضا متأهل ملزم شدند که طلاق بگیرند و یکسال بعد وی فرزندان اعضا را از پایگاه اشرف به اروپا منتقل کرد و از خانواده‌ها جدا نمود. حدود ۸۰۰ کودک از خانواده‌ها جدا شده و اروپا انتقال یافتند تا تحت نظر سازمان بزرگ شوند.

جنگ داخلی سوریه

خبرگزاری ایرنا نیز به نقل از سایت الحدث نیوز گفته‌است که ویکی لیکس اسنادی منتشر کرده که «اعضای گروهک تروریستی منافقین در سال ۲۰۱۱ وارد سوریه شدند تا با کشتار مردم و معارضان دولت این کشور، مسئولیت این کشتارها را به گردن ایران بیندازند.»



سایت «اینتر لینک» از سایت‌های مخالف این سازمان نیز مدعی اعزام دو تن از اعضای این سازمان به سوریه و کشته شدن آنان در آن کشور است. رضا تقی‌زاده در تحلیلی در بخش فارسی رادیو فرانسه معتقد است که «محتوای این گزارش با اطلاعات رسمی انتشار یافته توسط دولت بریتانیا مبنی بر «حضور اتباع اروپایی در جنگ داخلی سوریه» و همچنین گزارش رسمی اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل در این زمینه کاملاً همسو و قابل توجیه بنظر می‌رسد. Georges Malbrunot خبرنگار روزنامه فیگارو در سال ۲۰۱۳ مدعی شد که برخی اعضای این سازمان در درگیری‌های ادلب کشته شده‌اند. یکی از نمایندگان پارلمان عراق نیز مدعی حضور این سازمان در سوریه شده‌است. عبدالله البشیر النعیمی از رهبران ارتش آزاد سوریه نیز در سال ۲۰۱۴ در اجتماعی از مجاهدین خلق در پاریس حضور یافت و سخنرانی کرد.

فساد مالی

سازمان مجاهدین خلق سال‌ها در پوشش انجمن‌های خیریه و به ادعای کمک به فقرا در ایران به جمع‌آوری پول در کشورهای اروپایی اشتغال داشته و مبالغ قابل توجهی از این طریق بدست آورده‌است. پس از رویداد ۱۱ سپتامبر و زیر نظر گرفتن شدید تر نقل و انتقال پول در کشورهای غربی کمیسون نظارت بر خیریه‌های انگلیس Charity Commission for England and Wales پس از یکسال تحقیقات دستور بستن این خیریه و حسابهای آن را صادر کرد.

مش‌های ماکیاولیستی

سید مرتضی بختیاری دادستان وقت در مورد ایدئولوژی سازمان می‌گوید «شاید یکی از دلایل انحراف نفاق که با صراحت مشخص شد، رسیدن به این نظریه بود که هدف وسیله را توجیه می‌کند و می‌گفتند ما به هدف برسیم، ولو اینکه یک بچه شیرخوار کشته شود. این بر می‌گردد به ایدئولوژی که اینها داشتند... منافقین به بچه در بیمارستان اسلام‌آباد رحم نکردند و بیماران را کشتند (مجروحان جنگی هم نبودند) ما از اسلام یاد گرفتیم مجروح جنگی را هم به عنوان اسیر درمان کنیم نه اینکه بکشیم. در شهر ببینید چه جنایاتی را آفریدند نه به بچه رحم می‌کردند و نه به پیر این همان چیزی است که برای رسیدن به هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند و مهم رسیدن به هدف بود و ابزار برایشان مهم نبود.»



علاوه بر این تغییر مواضع رادیکالی و پای گذاشتن بر موضعی که زمانی به عنوان اصول این سازمان ادعا می‌شدند موجب شده که برخی منتقدین مشی این سازمان را ماکیاولیستی تعریف کنند، به‌طوری‌که ایرانپور و رضائیان می‌نویسند: «یکی دیگر از راهبردهای اساسی این فرقه در سالیان حیات سیاسی اش، تکیه بر مشی ماکیاولیستی بوده و دقیقاً بر همین اساس در نقاط حساس تاریخی حیات سیاسی خود به راحتی آرمان‌ها و شعارهای خود را زیر پا نهاده و بر خلاف آن عمل نموده‌است چرا که به باور ایشان «هدف وسیله را توجیه می‌کند».

انشعابات

سازمان مجاهدین خلق با توجه به تغییرات ایدئولوژیک و رهبران هم در دوران قبل و هم بعد از انقلاب ۱۳۵۷ دچار انشعابات شده‌است. مهم‌ترین انشعاب قبل از انقلاب با تغییر ایدئولوژی سازمان به رهبری تقی شهرام به مارکسیست صورت گرفت.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

عنصری که در بیرون از زندان گرایش سازمان به مارکسیسم را اعلام کرده بودند، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ از نام مجاهدین دست کشیده و تحت عنوان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به فعالیت خود ادامه دادند و پس از انقلاب نیز رفته رفته به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی پرداختند. تقی شهرام اوایل انقلاب ایران توسط دادگاه انقلاب اسلامی اعدام شد. یک نگرش دیگر که از طرف مدعیان این سازمان نسبت به تغییر ایدئولوژی آن عنوان می‌شود این است که: «این سازمان در حال استحاله بوده‌است و ایدئولوژی همیشگی این سازمان قدرت طلبی از طریق ستیزه‌جویی بوده و در نقاط حساس تاریخی حیات سیاسی خود به راحتی آرمان‌ها و شعارهای خود را زیر پا نهاده و بر خلاف آن عمل نموده‌است چرا که به باور ایشان «هدف وسیله را توجیه می‌کند».

مجاهدین راستین

دومین انشعاب از مجموعه مجاهدین به رهبری لطف‌الله میثمی و بعد از انقلاب صورت گرفت. وی که از مجاهدین مسلمان بود و با رهبری مسعود رجوی مخالفت داشت بعد از انقلاب اقدام به تشکیل گروهی با نام مجاهدین راستین فعالیت کرده و نشریه ای بنام **راه مجاهد** راه



اندازی کردند. فعالیت این گروه تا زمان دستگیری لطف‌الله میثمی ادامه داشت و بعد از آن میثمی را راه اندازی نشریه چشم‌انداز به فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود ادامه داد.

مجاهدین خلق ایران: راه موسی

بعد از انقلاب ایدئولوژیک در این سازمان گروهی از افراد در اعتراض به این موضوع در پاریس گرد هم آمده و ضمن وفاداری به ارمان مجاهدین اولیه و موسی خیابانی اعلام گروهی بنام مجاهدین خلق ایران: راه موسی خواندند.

مجاهدین خلق ایران

گروه دیگری که از این مجموعه جدا شدند افرادی به رهبری پرویز یعقوبی همسر سابق مینا ربیعی (خواهر اشرف ربیعی و باجناغ سابق مسعود رجوی) بودند. پرویز یعقوبی که از گروه مجاهدین اولیه بوده و از سال ۱۳۴۷ در این مجموعه فعالیت داشت.

برآیند

در آن زمان که محکومیت اقدامات تروریستی مثل اکنون فراگیر نبود، سازمان در برنامه‌های رادیویی خودش به طور مداوم گزارش ترورها را به عنوان عملکرد خود اعلام می‌کرد و از طریق رادیو و بر اساس کدهای از پیش تعریف شده، دستورات لازم را به اعضایش در داخل کشور ارسال می‌داشت. خروج سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا، موجی از شگفتی را در ایرانیانی پدید آورده است که هنوز خاطرات ترورهای سال‌های اول انقلاب و حملات خمپاره‌ای اواخر دهه هفتاد به تهران و برخی شهرها توسط اعضای این گروه را به یاد دارند به گونه‌ای می‌پرسند اگر این سازمان، تروریست نباشد، پس هیچ تروریستی در جهان وجود خارجی ندارد.

بسیاری از ایرانی‌ها، افراد زیادی را می‌شناسند که به ویژه در سالهای نخست استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، در مسجد، ادارات و مغازه‌های خود به ضرب گلوله اعضای این سازمان به شهادت رسیدند.

در میان عامه مردم ایران، این سازمان، نه به عنوان سازمان "مجاهدین خلق" که به نام "سازمان منافقین" شناخته می‌شود.



سازمان مجاهدین خلق، حدود ۴۵ سال پیش، یعنی هنگامی که در ایران، رژیم شاهنشاهی حاکم بود، تشکیل شد. هر چند در آن زمان، رهبری انقلاب مردمی علیه رژیم شاهنشاهی، معتقد به مبارزه سیاسی و تظاهرات غیرمسلحانه علیه حکومت وقت بود، اما اعضای این سازمان اصرار داشتند که باید با تمسک به اسلحه و با اقداماتی از قبیل بمب گذاری و ترور به مقابله با رژیم شاهنشاهی محمدرضا پهلوی رفت. این، اولین وجه افتراق سازمان مجاهدین با سایر مخالفان رژیم شاه بود. اعضای این سازمان که در بدو امر، از تقید به دین و مذهب سخن می گفتند و در میانه راه، با گرایش به "مارکسیسم" عملاً صف خود را از مبارزات عمومی مردم مسلمان ایران جدا کردند (نقش "چکش" هنوز در آرم این سازمان وجود دارد) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بر خلاف رای ۹۸ درصدی مردم به جمهوری اسلامی، به مخالفت با آن پرداختند و البته در این مخالفت، همچنان بر دیدگاه مسلحانه شان اصرار داشتند.

بدین ترتیب و در حالی که ایرانی ها، جشن پیروزی انقلاب شان را گرفته بودند و در حال تشکیل ساختارهای نظام جدید سیاسی بودند، موج ترورها شروع شد به گونه ای که در تهران و بسیاری از شهرها، هر روز این سوال بین مردم تکرار می شد که "امروز چه کسی را زدند" و پاسخ های تکراری مانند اینکه "صبح، نانواي محله را کشتند یا پارچه فروش فلان خیابان را در مغازه اش با دو گلوله به شهادت رساندند و..."

موج ترورها، البته به مردم عادی که محدود نماند و به زودی به مقامات سیاسی کشور رسید. در آن سالها، مسئولان نظام نوپای ایران، هنوز دارای ساختار حفاظتی و امنیتی نبودند، زیرا نظام در مراحل اولیه تاسیس بود و بسیاری از نهادهایش شکل نگرفته بود و به عنوان مثال هنوز وزارت اطلاعات نیز در کشور وجود نداشت. بنابراین اعضای سازمان مجاهدین به راحتی توانستند رئیس جمهور وقت (محمدعلی رجایی)، نخست وزیر وقت (محمد جواد باهنر)، رئیس شورای عالی قضایی (سید محمد حسینی بهشتی) و حدود ۷۰ نفر از نمایندگان پارلمان و اعضای حزب جمهوری اسلامی را در چند اقدام تروریستی به شهادت برسانند.

امامان جمعه شهرهای ایران از جمله آیت الله مدنی، آیت الله دستغیب، آیت الله صدوقی نیز از اهداف تروریست ها بودند که بعدها به "شهادی محراب" معروف شدند. همزمان با آغاز این ترورها، جمهوری اسلامی، تعقیب رهبران سازمان مجاهدین خلق را در دستور کار خود قرار داد و تعدادی از آنها را دستگیر کرد، ولی رهبر اصلی این سازمان، مسعود رجوی، توانست با



کمک فردی به نام سرهنگ معزی، که خلبان مخصوص شاه بود و هنوز در ایران زندگی می کرد، در یک عملیات مخفیانه از ایران بگریزد و به پاریس برود و در آنجا، رهبری اقدامات تروریستی نیروهای تحت امرش را پی بگیرد. در آن زمان که محکومیت اقدامات تروریستی مثل اکنون فراگیر نبود، سازمان در برنامه های رادیویی خودش به طور مداوم گزارش ترورها را به عنوان عملکرد خود اعلام می کرد و از طریق رادیو و بر اساس کدهای از پیش تعریف شده، دستورات لازم را به اعضایش در داخل کشور ارسال می داشت.

در بحبوحه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، سازمان مجاهدین خلق، با صدام، رئیس جمهور مخلوع عراق، پیمان همکاری بست و در پی دیدار مسعود رجوی با صدام (در ۲۲ سال پیش) این سازمان عملاً تبدیل به شاخه ای از استخبارات (سازمان اطلاعات و امنیت عراق) کرد که وظیفه جاسوسی از ایران و انجام اقدامات تروریستی را بر دوش گرفت. ایرانی ها خوب به یاد دارند که بسیاری از تاسیسات شهری آنها، پس از آن هدف بمباران های هوایی عراق قرار گرفت که اعضای سازمان مجاهدین خلق، اطلاعات و نقشه های این تاسیسات را به بعضی ها می رساندند. آنها همچنین مسئولیت بازجویی و شکنجه اسرای ایرانی در اردوگاه های صدام را بر عهده داشتند.

در پایان جنگ ایران و عراق در ۲۴ جولای ۱۹۸۸، سازمان مجاهدین، با پشتیبانی لجستیک رژیم صدام، با ۱۲۰ تانک، ۴۰۰ نفر، ۱۰۰۰ کامیون و خودرو و ... هزاران نفر از پرسنل مسلح خود را از مرزهای غربی (سرپل ذهاب) وارد ایران کرد. این نیروها با اشغال برخی مناطق مرزی و کشتار مردم آنها تا شهر مرزی "کرد" پیش رفتند و سپس در جاده اسلام آباد- کرد در تله نیروهای ایرانی افتادند و شکست سختی را متحمل شدند به گونه ای که تعداد کشته های نظامیان این سازمان ۲۰۰۰ نفر اعلام شد (خود سازمان به کشته شدن ۱۲۶۴ نفر از پرسنل نظامی اش اعتراف کرد). ایرانی ها این عملیات را "مرصاد" نام نهادند. این بزرگترین ناکامی این سازمان در عملیات نظامی رودرو بود و بدین علت، بار دیگر آنها، رویه پیشین خود را در پیش گرفتند و به اقدامات تروریستی روی آوردند که از آن جمله می توان به حملات خمپاره ای آنها به مناطق مسکونی و دولتی در تهران و برخی نقاط دیگر اشاره کرد که تعدادی از شهروندان عادی به شهادت رسیدند.

سازمان مجاهدین در عراق و با مساعدت شخص صدام اقدام به تاسیس پادگان بزرگی در نزدیکی بغداد نمود که به شهر اشرف معروف است. هم اکنون در این پادگان، حدود ۳۴۰۰



نفر از اعضای این سازمان حضور دارند که حدود ۹۰۰ نفرشان زن هستند. (زنان این سازمان مسلح اند و جزو کادر نظامی آن به شمار می روند کما اینکه در عملیات مرصاد، بخش بزرگی از مهاجمان را زنان مسلحی تشکیل می دادند که حتی مسوولیت راهبری تانک ها را نیز بر عهده داشتند.)

پادگان اشرف، محل استقرار سلاح ها، آموزش ها و تمرینات نظامی اعضای این سازمان است و در قیام مردم جنوب عراق در سال ۱۹۹۱ پادگان اشرف، به عنوان یکی از مراکز عملیاتی اقدام کننده علیه مردم عراق در کنار ارتش و استخبارات رژیم صدام عمل می کرد و به همین دلیل، اکنون دولت عراق، برخی از رهبران این سازمان را به اتهام اقدام جنایتکارانه علیه مردم عراق تحت تعقیب دارد هر چند که به دلیل فشارهای آمریکا عملاً نتوانسته است کاری در این باره انجام دهد.

در حال حاضر، آمریکا و اروپا به سازمان مجاهدین خلق به عنوان برگ برنده ای در تعامل با ایران می نگرند زیرا این گروه از یک سو، لابی هایی در اروپا دارد و از حمایت جریان های ضد ایرانی در اروپا بهره مند است و از سوی دیگر، تنها تشکل ضد جمهوری اسلامی است که تمام اعضای آن، آموزش نظامی دیده اند و بسیاری از آنها نیز دوره های جاسوسی و بمب گذاری و ترور را طی کرده اند و لذا می توانند به عنوان پیاده نظام طرح های ضد ایرانی در موارد لازم به کار گرفته شوند.

خروج نام سازمان مجاهدین خلق از فهرست سازمان های تروریستی اروپا نیز در همین راستا انجام می گیرد و به عنوان اهرمی برای فشار علیه ایران در پرونده هسته ای محسوب می شود. به علاوه در حالی که دولت عراق اعلام کرده است که درصدد اخراج آنها در این کشور به عنوان عناصر نامطلوب است، باقی ماندن اسم این سازمان در فهرست سازمان های تروریستی، کار پذیرش اعضای آن در کشورهای اروپایی را با مشکل مواجه می ساخت و لذا با حذف نام این سازمان از فهرست تروریست های جهان، این امکان برایشان مهیا می شود که این برگ برنده ها، را به نزد خود برند و در تعاملات آتی با ایران از آنها بهره برداری نمایند والا خود اروپایی ها نیز که سالها این سازمان را رسماً تروریستی می شناختند، خود بهتر از هر کس دیگری بر تروریست بودن آنها آگاهند.

آنها، این بار نیز همانند همان سالهای گذشته، "ورق بازی" غربی ها هستند.

